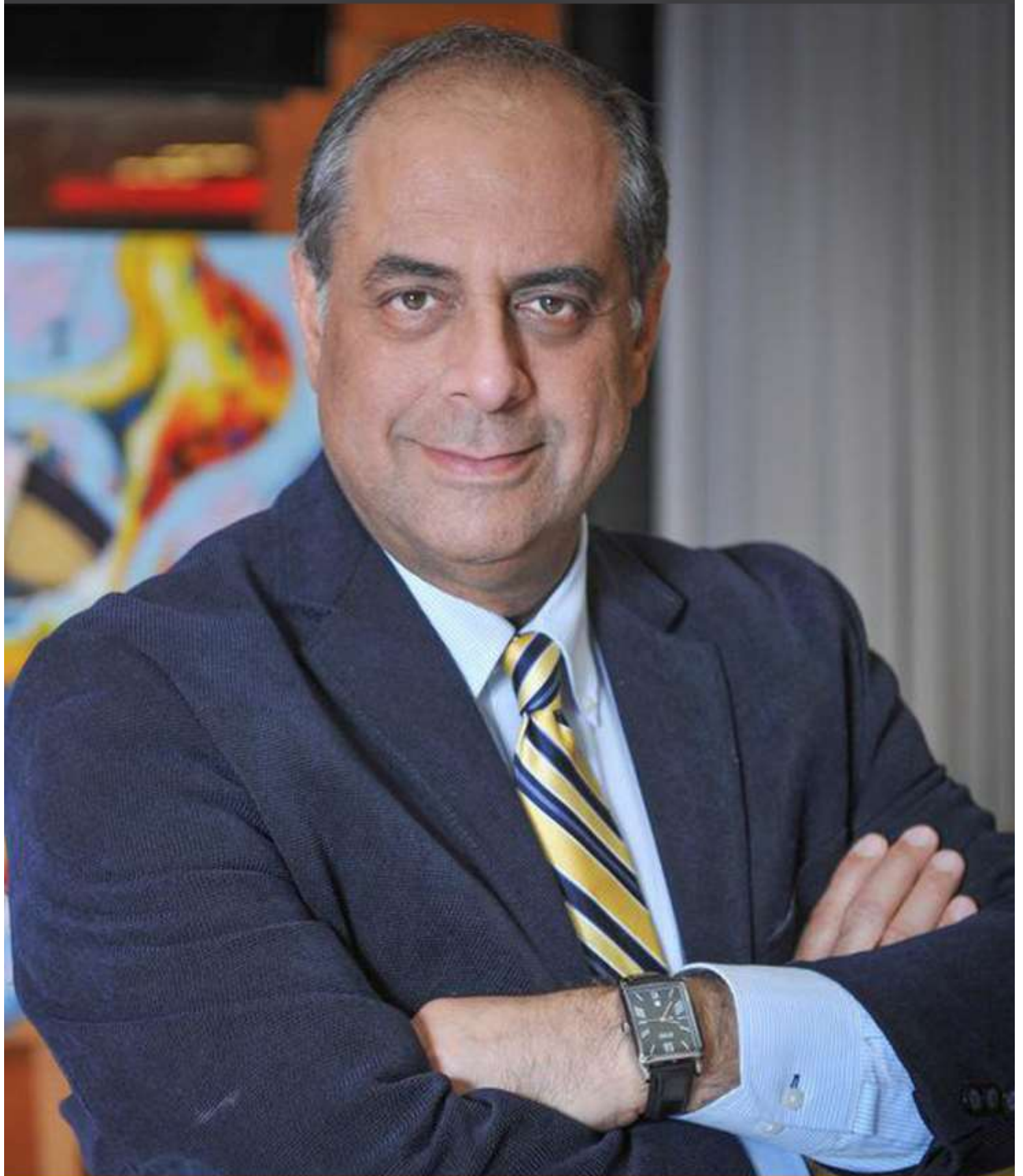


نقدی بر آراء ادوين صالح



به نام خالقِ وصفِ ناپذیر

تقدی بر آراء

ادوین صالح

در مورد تکامل حیات

عنوان	نقدی بر آراء ادوین صالح
تهیه شده	موسسه وارثین ملکوت
تاریخ انتشار	۱۳۹۷/۰۱/۲۹
موضوع	پاسخ به شبهات منکرین تکامل حیات



www.varesin.org

احمد الحسن در کتاب توهم بی خدایی می نویسند:

در حقیقت، تفسیر علمی زندگی زمینی، وجود اله (خدا) را اثبات می کند و نه عکس آن را؛ چرا که با دقت در نظریه ی تکامل (پیدایش و ارتقا) در خواهیم یافت که این نظریه عبارت است از فرآیندی برای اجرای نقشه ی ژنتیکی قانونمند و هدفمند، و این خود دال بر وجود یک قانونگذار هدفدار میباشد.^۱

^۱ احمد الحسن، کتاب توهم بی خدایی، ص ۲۰۰

فهرست

مقدمه	۱
ادوین صالح در مورد تکامل حیات چه می گوید؟	۲
نئاندرتال ها انسان نبوده اند!!	۳
هیچ شباهت ژنتیکی بین انسان و شامپانزه و گوریل ها وجود ندارد!!	۸
آیا نظریه و فرضیه یکی هستند؟ آیا تکامل فقط یک فرضیه است؟!	۱۲
برداشت اشتباه از نظریه تکامل حیات	۲۵
محاسباتی که هیچ دانشمندی انجام نداده است	۲۶
تکامل یا ایمان مسیح!!	۲۷
آیا طبق نظریه تکامل میمون ها جد ما می باشند؟!	۳۰
آیا خلقت دفعی موجودات زنده در دوره های مختلف ممکن و محتمل است؟!	۳۱
برداشت های غلط ادوین صالح از متد علمی و کاربرد قوانین و نظریه ها	۳۶
آیا تکامل کلان وجود ندارد؟؟	۴۱
تهمت بی خدایی به دانشمندانی که نظریه تکامل را قبول دارند!!	۴۶
چرا ادوین صالح نمی تواند تکامل کلان را ببیند؟	۵۵
آیا خداوند به وضوح گفته است نظریه تکامل صحیح نیست؟!	۶۱
آیا نظریه تکامل با قوانین ترمودینامیک مغایرت دارد؟!	۶۲
آیا آنچه داروین گفته است، چرندیات است؟!	۶۴

مقدمه

معلم مسیحی ادوین صالح، دارای مدرک دکترای الهیات مسیحی و مدیر نخستین شبکه تلویزیونی مسیحیان فارسی زبان کانادا (ic net) می باشد.

و همچنین ادوین صالح ادعا نموده است: « من مدرک دانشگاهم در رشته ژنتیک انسانی بوده.^۱»

ادوین صالح معتقد است واقعیت و نظریه تأیید شده تکامل حیات، صرفاً یک فرضیه و نظریه است (در اعتقاد او نظریه و فرضیه صرفاً یک نظر و حدس است که آزمایش نشده و از این رو آنها را علمی نمی داند و فقط قوانین را علمی می داند!!!)

و همچنین او منکر واقعیت تکامل است زیرا می گوید تکامل کلان را ندیده است!! یعنی تا وقتی او سیر تکامل حدوداً ۴ میلیارد ساله حیات زمینی را در آزمایشگاه با چشمان خودش نبیند آن را نخواهد پذیرفت ولی با این وجود، فرضیه به همراه نظریه تکامل را قبول دارد!!! و البته شایان ذکر است ایشان خدا را شکر می کند که تکامل نظریه است و قانون نیست!!!

ادوین صالح دیدگاه های منحصر به فردی نیز در حوزه ژنتیک دارد، مثلاً می گوید نئاندرتال ها جزو سرده ی انسان نیستند و فقط ژن های میمونی دارند (و هیچ اشتراک ژنی با انسان ندارد!!) و آن ها را میمون انسان نما خطاب می کند! و همچنین می گوید هیچ شباهت ژنتیکی بین انسان و شامپانزه وجود ندارد و جالب تر اینکه نزدیک ترین حیوانات و شبیه ترین آنها از لحاظ ژنتیکی به انسان را خوک و موش معرفی می کند!! و دیدگاههای غیر علمی دیگر.

و ایشان رابطه خوبی نیز با علم و اهل علم ندارند و بیشتر دانشمندان را خدانا باور و نظریه تکامل و یافته های علمی داروین را چرندیات می داند!!

¹ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/10507>
audio_2018-03-11_01-13-56

ادوین صالح در مورد تکامل حیات چه می گوید؟؟



در این بخش به بررسی و نقد آراء ادوین صالح در مورد واقعیت و نظریه علمی تکامل حیات خواهیم پرداخت.

عمده نظرات ادوین صالح را از کانال تلگرامی «آرشیو کامل پرسشها و پاسخها icnet.tv» جمع آوری نموده ایم که در این کانال به پرسش های مسیحیان و ... پاسخ می دهند.

و البته شبهات ادوین صالح عمدتاً به علت اطلاعات کم ایشان در مورد نظریه تکامل حیات و متد علمی می باشد و با اینحال در ادامه به نقد آنها می پردازیم.

¹ <https://t.me/arshivporseshvapasokh>

نئاندرتال ها انسان نبودند!!!

ادوین صالح می گویند:

نئاندرتال ها انسان نبودند میمون های انسان نما بودند پس لطفا این را از مغزتان در بیارید که نئاندرتال ها انسان بودند. امروز DNA نئاندرتال ها را که نگاه کردند هیچ شباهتی به دی ان ای انسان ندارد نئاندرتال ها انسان نبودند بلکه میمون های انسان نما بودند.^۱

تمام ژن های انسان ها ظاهرا آنهايي که بهشان می گویند نئاندرتال، گمگون و تمام آن اسکلت هایی که پیدا کردند و آزمایش کردند ژن های میمونی داشتند و ژن های انسانی نداشتند.^۲

پاسخ: نئاندرتال ها، جزو گونه ی انسان های امروزی (Homo sapiens) حساب نمی شوند ولی این گفته ادوین صالح که نئاندرتال ها انسان نبودند، اشتباه است زیرا ایشان اگر کمی وقت می گذاشتند و منابع علمی را مطالعه می کردند متوجه می شدند که نئاندرتال (Homo neanderthalensis) گونه ای از سرده ی انسان هست و عبارت انسان منحصر به گونه ی هوموساپینس نیست بلکه کلمه انسان مخصوص به انواع هوموها می باشد.

طبقه بندی علمی نئاندرتال ها عبارتست از:

فرمانرو: جانوران

شاخه: طنابداران

رده: پستانداران

راسته: نخستین سانان

خانواده (تیره): انسان ساییان – انسانیان (Hominidae)

^۱ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/24457>
audio_2018-03-10_23-04-54

^۲ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/10507>
audio_2018-03-11_01-13-56

سرده (جنس): انسان (Homo)**گونه: H. neanderthalensis**

که در این زمینه رایش هُلف در کتاب پیدایش انسان می نویسد:

انسان نئاندرتال یک تبار منقرض از شاخه ی فرعی تکامل بشریت نبوده است، بلکه یک نماینده ی مهم از جنس (سرده) انسان بوده که چند صد هزار سال زندگی کرده است.^۱

کلودنی می گوید:

اینطور نیست که نئاندرتال ها موجوداتی بی شعور، چهارشانه و از خانواده میمون ها بوده باشند که تا قبل از پیدایش انسان امروزی و غلبه آنها، زمین را به تصرف خود در آورده بودند.

بیشتر انسان تباری بود که در برهه ای از زمان، ما را همراهی کرد و بسیار شبیه ما بود.^۲

ایان تترسال در مقاله «دیرین انسان شناسی در نیم سده ی اخیر» می نویسد:

شاید اغراق نباشد اگر گفته شود که بیشترین توجه دیرین انسان شناسان در چند سال گذشته به انسان نئاندرتال معطوف بوده است. این گونه ی انسانی در گستره ی زمانی ۲۰۰ تا ۳۰ هزار سال پیش در اروپا و آسیای غربی ساکن بوده و به تدریج اغلب پژوهشگران به جای قرار دادن آن در زیر مجموعه ی انسان هوشمند، این انسان را به عنوان یک گونه ی مجزا به نام «انسان نئاندرتال» طبقه بندی کرده اند.^۳

نام علمی نئاندرتال ها عبارتست از : Homo neanderthalensis (انسان نئاندرتال) و آن ها را انسان عصر یخ نیز می نامند.

^۱ رایش هلف، ترجمه سلامت رنجبر، کتاب پیدایش انسان، ص ۳۰۷

^۲ بشر از نئاندرتال ها باهوش تر نبود؛ ما فقط توانستیم زنده بمانیم!

^۳ <https://www.sciencealert.com/humans-didn-t-outsmart-the-neanderthals-we-just-outlasted-them>

ایان تترسال، ترجمه دکتر حامد وحدتی نسب، علیرضا ابراهیمی، ایلاز عبدالله زاده، مقاله دیرین انسان شناسی در نیم سده ی اخیر (کتاب پیدایش انسان، ص ۴۵)

بنابراین ادوین صالح باید بداند که کلمه انسان (نام علمی: **Homo**) مربوط به سرده‌ای از خانواده ی کپی‌های بزرگ می باشد و برخلاف آنچه که او می پندارد منحصر به انسان های امروزی (هوموساپینس) نیست!! و نوع انسان امروزی (**Homo sapiens**) تنها یکی از انواع این سرده (جنس) می باشد.

و انواع دیگری از هوموها نیز در این سرده قرار می گیرند:

- ✓ انسان ماهر – **Homo habilis**
- ✓ انسان رودولفی – **Homo rudolfensis**
- ✓ انسان کارورز – **Homo ergaster**
- ✓ انسان گرجی – **Homo georgicus**
- ✓ انسان راست قامت – **Homo Erectus**
- ✓ انسان هایدلبرگی – **Homo heidelbergensis**
- ✓ انسان نئاندرتال – **Homo neanderthalensis**
- ✓ انسان خردمند (امروزی) – **Homo sapiens**

در زیر به چند ژورنال علمی و منبع که نئاندرتال ها را با عنوان **Homo neanderthalensis** نام برده اند، اشاره خواهیم کرد.

1. <http://www.pnas.org/content/93/20/10852.short>
2. <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/full/10.1002/ajpa.10131>
3. https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-1-4899-3745-2_20
4. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0047248414000438>
5. <http://humanorigins.si.edu/evidence/human-fossils/species/homo-neanderthalensis>
6. <https://www.livescience.com/28036-neanderthals-facts-about-our-extinct-human-relatives.html>
7. <http://www.biochemsoctrans.org/content/33/4/582>
8. <https://www.sciencealert.com/humans-didn-t-outsmart-the-neanderthals-we-just-outlasted-them>
9. <https://www.sciencedaily.com/releases/2006/11/061116083223.htm>

و همچنین ادوین صالح می گوید «امروز DNA نئاندرتال ها را که نگاه کردند هیچ شباهتی به DNA انسان ندارد» که این ادعایی خلاف واقعیت است و نئاندرتال ها، نزدیک ترین خویشاوند منقرض شده ما هستند. و نیز یافته های علمی نشان می دهند که بین DNA انسان امروزی و انسان نئاندرتال ۹۹.۵ درصد شباهت وجود دارد.

1. <https://www.livescience.com/1122-neanderthal-99-5-percent-human.html>
2. <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC2583069/>
3. https://www.pbs.org/newshour/science/science-july-dec06-neanderthal_11-17
4. <https://news.nationalgeographic.com/news/2009/02/090212-neanderthal-genome.html>
5. <https://www.nytimes.com/2006/11/18/opinion/18sat2.html>
6. <https://www.sciencedaily.com/releases/2006/11/061116083223.htm>
7. <http://www-news.uchicago.edu/releases/06/061115.neanderthal.shtml>
8. <http://www.digitaljournal.com/article/267388>
9. <http://www.nbcnews.com/id/15732243/#.Ws6LJ4oVTIU>
10. <http://web.archive.org/web/20061118050935/http://edition.cnn.com/2006/TCH/science/11/15/neanderthal.ap/index.html>

در نتیجه این گفته ادوین صالح که هیچ شباهتی در DNA انسان نئاندرتال با انسان امروزی وجود ندارد دروغی بیش نیست و همچنین نئاندرتال میمون نیست بلکه جزو سرده انسان می باشد. و ادوین صالح باید برای انسان نئاندرتال به جای به کار بردن میمون انسان نما از عبارت انسان های اولیه استفاده می کرد.

انسان نئاندرتال موجودی است که در نزدیک ترین زمان به ما، از جد مشترکی که داشته ایم منشعب شده است. بنابراین نئاندرتال ها و هوموساپینس ها هر دو در اثر تغییرات تکاملی در جد مشترکشان بوجود آمده اند. طبیعتاً درصد قابل توجهی از ژنوم هر دوی آنها مشابه جدشان می باشد. و از این رو انسان های نئاندرتال شباهت بسیار زیادی با انسان امروزی داشته است.

این جمله ادوین صالح که می گوید «ژن های میمونی داشتند و ژن های انسانی نداشتند» نیز دقیق و صحیح نیست زیرا انسان نئاندرتال، انسان امروزی و میمون ها با هم اشتراک ژنی دارند و وقتی در بین این سه جاندار شباهت در DNA وجود دارد در نتیجه ژن ها نیز مشابه هستند.

و همچنین بهتر بود ادوین صالح به جای اینکه بگوید ژن های میمونی داشتند، می گفت ژن های مشترک از نیای مشترک داشتند زیرا این شباهت های ژنتیکی، ریشه اجدادی دارند و به جد مشترک آنها تعلق دارد که به آنها رسیده است.

جالب است بدانید ادوین صالح با همین جمله «ژن های میمونی داشتند»، تکامل نئاندرتال ها از میمون ها را اثبات می کند. (در حالیکه یافته های علمی می گویند انسان نئاندرتال، از میمون ها تکامل نیافته است بلکه نئاندرتال ها و میمون ها نیای مشترکی داشته اند و از این رو نئاندرتال ها حد واسط میمون و انسان امروزی نیستند.)

و این جمله ادوین صالح که می گوید نئاندرتال ها ژن های انسانی نداشتند!! نیز اشتباه (یا بهتر است بگوئیم دروغ) است. زیرا انسان امروزی و انسان نئاندرتال حدود ۹۹.۵ درصد با هم شباهت ژنتیکی دارند که دال بر این است که نیای مشترکی دارند پس در نتیجه اطلاعات ادوین صالح غلط می باشد که سهوا یا عمدا آن ها را برای انکار نظریه تکامل به کار گرفته است!!



تصویر بازسازی شده انسان نئاندرتال ایرانی در موزه بندرعباس^۱

^۱http://www.bbc.com/persian/science/2012/05/120501_I23_neanderthal_iran_new_sciencetoday_biglari

شکل و شمایل نئاندرتال ها شبیه ما انسان ها بوده است، اگرچه آنها کوتاه تر و چاقتر بودند، استخوان های گونه شان زاویه دار بوده، لبه های ابرو هایشان برجسته تر و بینی هایشان پهن تر بوده است.^۱

رایش هُلف در مورد انسان نئاندرتال (انسان عصر یخ) می گوید:

انسان عصر یخ به تدریج تغییر کرده بود. از یک مغز تقریباً ۱۲۰۰ سانتی متر مکعبی به یک مغز کاملاً بزرگ تبدیل شده بود، که تا بیش از ۱۵۰۰ سانتی متر مکعب رشد کرده بود و به این ترتیب از میانگین مغز ما هم بزرگ تر شده بود... قد و قامت انسان دوران یخبندان به هیکل ما بسیار شبیه شده بود ... انسان عصر یخ بسیار شبیه ما بود، اما از بعضی جنبه ها با ما تفاوت داشت.^۲

و بسیار عجیب است که ادوین صالح ادعا می کند نئاندرتال ها، میمون های انسان نما هستند، ولی متوجه نیست با همین گفته اش شباهت ژنتیکی انسان امروزی و نئاندرتال را اثبات کرده است. زیرا او اعتراف می کند که شبیه انسان هستند و حال چگونه شباهت اندامی و ساختاری بوجود خواهد آمد بدون شباهت ژنتیکی؟! جای بسی تعجب است از فردی که ادعا می کند در زیست شناسی و ژنتیک تخصص دارد، ولی از فهم چنین مطالب ساده و واضحی (که حتی یک دانش آموز رشته زیست شناسی نیز می فهمد)، عاجز است!!!!

هیچ شباهت ژنتیکی بین انسان و شامپانزه و گوریل ها وجود ندارد!!

در این مورد ادوین صالح چنین گفته است:

اتفاقاً هیچ شباهت ژنتیکی بین انسان و شامپانزه و گوریل وجود ندارد من خودم تخصص در زیست شناسی در دوره دانشگاه و ژنتیک بوده و می دانم که از لحاظ ژنتیکی هیچ شباهتی بین ژن انسان و گوریل نیست به هم هیچ نزدیکی ندارند و هیچ ارتباط نزدیک

^۱ <http://www.livescience.com/28036-neanderthals-facts-about-our-extinct-human-relatives.html>

^۲ رایش هلف، ترجمه سلامت رنجبر، کتاب پیدایش انسان، ص ۲۹۹-۳۰۱

ندارند و اتفاقا انسان از لحاظ ژنتیکی به موجودات دیگر خیلی نزدیک تر است تا به خانواده ی میمون ها.^۱

و در جایی دیگر در پاسخ پرسشی، می گوید:

اتفاقا میمون ها هیچ شباهتی از لحاظ ژنتیکی به انسان ندارند اگر می خواهید بدانید نزدیک ترین موجوداتی که از لحاظ ژنتیکی به انسان ها نزدیک هستند، خوک ها و موش ها هستند ... من مدرک دانشگاهم در رشته ژنتیک انسانی بوده پس اینو با اطمینان می توانم بگم این حرف هایی که می زنید فقط یک بخشی از آن مسائلی است که به شما یاد دادند ولی درست نیست.^۲

پاسخ: ادوین صالح باید بداند بین تمام جانداران شباهت ژنتیکی وجود دارد (شباهت ها و تفاوت هایی در ژنوم آنها وجود دارد) و هر چقدر گونه ای به انسان نزدیک تر باشد درصد شباهت آن با ما بیشتر می شود.

انسان ها به کپی های بزرگ (great apes) از خانواده انسانیان (Hominidae) نزدیکی بیشتری دارند. این خانواده اورانگوتان ها، شامپانزه ها، گوریل ها و بونوبوها را شامل می شود. ۹۸.۸ درصد^۳ از DNA انسان ها با بونوبوها و شامپانزه ها مشترک است. ۹۸.۴ درصد از DNA انسان ها و گوریل ها مشترک است. ۹۶.۹ درصد از DNA انسان ها و اورانگوتان ها مشترک است. انسان ها و میمون ها ۹۳ درصد تقریبا مشترک هستند.^۴

نزدیک ترین خویشاوندان ما چه حیواناتی هستند؟

نزدیکترین خویشانان حیوانی ما کپی های بزرگ (great apes) هستند: شامپانزه ها، اورانگوتان ها و گوریل ها.

^۱ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/23664>
audio_2018-03-11_01-00-17

^۲ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/10507>
audio_2018-03-11_01-13-56

^۳ The researchers also found that bonobos share about 98.7% of their DNA with humans—about the same amount that chimps share with us.

<http://www.sciencemag.org/news/2012/06/bonobos-join-chimps-closest-human-relatives>

^۴ <http://education.seattlepi.com/animals-share-human-dna-sequences-6693.html>

حدوداً ۹۸٪ از DNA در ژن هایتان دقیقاً شبیه شامپانزه ها است و شما را به نزدیک ترین خویشاوند به شامپانزه تبدیل می کند مانند شباهت داشتن اسب ها به گورخر ها.

شامپانزه ها و انسان ها از یک جد مشترک مشتق شده اند که احتمالاً حدود ۵ میلیون سال پیش روی درختان زندگی میکردند (تاب میخوردند)^۱

و اینکه ادوین صالح می گوید هیچ شباهت ژنتیکی بین انسان با گوریل و شامپانزه وجود ندارد!! دروغی آشکار می باشد.

پژوهش جدید نشان می دهد که گوریل ها و انسان ها کمی بیش از آنکه بیشتر تصور می شد به هم شبیه هستند و ژنوم های آنها تنها ۱.۶ درصد تفاوت دارند. فقط شامپانزه ها و نوع دیگری از میمون ها به نام بونوبوها از این نظر به انسان ها نزدیک تر هستند.^۲

انسانها، شامپانزه ها، گوریل ها، اورانگوتان ها و اجداد منقرض شده آنها از یک خانواده از موجودات شناخته شده ی هومینید (Hominidae) (انسانیان-کپی های بزرگ) تشکیل شده اند. محققان به طور کلی توافق دارند که در بین حیوانات زنده این گروه، انسانها نسبت به مقایسه آناتومی و ژنتیک بیشتر به شامپانزه ها نزدیک هستند.^۳

شامپانزه ها نزدیک ترین خویشاوندان زنده ما

همانطور که دانشمندان سعی می کنند رمز و راز اینکه ما چطور ایجاد شده ایم را حل کنند، یک منبع ارزشمند سرنخ ها، شامپانزه ها هستند.

البته بشر از شامپانزه ای که همانند ما، میلیون ها سال زمان را در تکامل از جد مشترکمان در مسیر خود گذرانده است، مشتق نشده است.

^۱<http://whoami.sciencemuseum.org.uk/whoami/findoutmore/yourgenes/wheredidwecomefrom/whatareourclosestanimalrelatives>

^۲ <https://www.reuters.com/article/us-science-gorillas/a-gorilla-named-susie-illustrates-genome-similarities-with-humans-idUSKCN0WX2UV>
<https://www.richarddawkins.net/2016/04/a-gorilla-named-susie-illustrates-genome-similarities-with-humans/>

^۳ <https://www.scientificamerican.com/article/how-closely-related-are-h>

هنوز شامپانزه ها نزدیک ترین خویشاوندان زنده ما هستند (ما ۹۸.۸ درصد DNA آن ها را به اشتراک میگذاریم) و تحقیقات جدید همچنان ادامه دارد تا به ما نشان دهد که چقدر شبیه به هم باقی مانده ایم، با این وعده که دیدگاه هایی در مورد ریشه هایی که ما هردو از آن ها مشتق شده ایم فراهم آورد.^۱

و عجیب تر اینکه ادوین صالح نزدیک ترین موجودات را از لحاظ ژنتیکی به انسان، موش و خوک معرفی می کند!!! (بدون ارجاع به هیچ مقاله منتشر شده در ژورنال های معتبر علمی) که پندار وی کاملاً مخالف یافته ها و معلومات علمی می باشد و هر زیست شناسی می داند که سه سرده ی شامپانزه ها، گوریل ها و اورانگوتان ها بیشترین شباهت ژنتیکی را به سرده انسان دارند ولی ادوین صالح می گوید هیچ شباهت ژنتیکی ندارند!!!!. اما ادوین صالح باید بداند که در حال حاضر دو گونه شامپانزه معمولی و بونوبو از سرده ی شامپانزه، نزدیک ترین خویشاوندان زنده ی سرده ی انسان هستند که حدود ۴ الی ۶ میلیون سال پیش از هم جدا شده اند.

شامپانزه ها نزدیک ترین حیوانات به سرده انسان می باشند و حدود ۹۶ درصد به بالا شباهت ژنتیکی دارند که می توانید برای کسب اطلاعات بیشتر به منابع زیر مراجعه نمائید.

1. <http://www.sciencemag.org/news/2012/06/bonobos-join-chimps-closest-human-relatives>
2. <http://journals.plos.org/plosgenetics/article?id=10.1371/journal.pgen.0010056>
3. <https://www.livescience.com/25655-chimp-brains-reveal-human-intelligence.html>
4. <https://www.sciencedaily.com/releases/2006/10/061013104633.htm>
5. <https://www.nature.com/collections/srwbvyfghj>
6. <https://www.genome.gov/15515096/2005-release-new-genome-comparison-finds-chimps-humans-very-similar-at-dna-level/>
7. <http://www.pnas.org/content/99/21/13633.short>
8. https://news.nationalgeographic.com/news/2005/08/0831_050831_chimp_genes.html
9. <https://www.amnh.org/exhibitions/permanent-exhibitions/human-origins-and-cultural-halls/anne-and-bernard-spitzer-hall-of-human-origins/understanding-our-past/dna-comparing-humans-and-chimps/>

¹ <https://www.livescience.com/7929-human-evolution-closest-living-relatives-chimps.html>

و این در حالیست که شباهت ژنتیکی انسان و موش حدوداً ۸۵٪ می باشد.^۱ پس مشخص شد بونوبوها به همراه شامپانزه‌ها، نزدیک‌ترین خویشاوند سرده انسان هستند و انسان نئاندرتال نزدیک‌ترین خویشاوند منقرض شده‌ی ما انسان‌ها (هوموساپینس) می باشد.

آیا نظریه و فرضیه یکی هستند؟ آیا تکامل فقط یک فرضیه است؟!

ادوین صالح می گوید:

تکامل وجود ندارد و فقط یک نظریه و یک فرضیه است.^۲

پاسخ: در اینجا او از یکطرف می گوید تکامل وجود ندارد و از طرف دیگر می گوید تکامل فقط یک نظریه و فرضیه است!! و این در حالیست که او با جمله دوم، وجود واقعیت تکامل را تأیید می کند!! زیرا اگر مشاهداتی نبود توضیحاتی در قالب فرضیه و نظریه ارائه نمی شد.

و جالب تر اینکه او می پندارد فرضیه و نظریه یکی هستند^۳ و هر دو نظری بی ارزش بر پایه حدس و گمان هستند!! و با گفتن اینکه تکامل نظریه و فرضیه است می خواهد این واقعیت و نظریه علمی را فاقد ارزش کند!!!

نظریه: در علم، یک توضیحی است که به خوبی از تعدادی جنبه های جهان طبیعی، اثبات شده، و می تواند واقعیت ها، قوانین، نتیجه گیری ها و فرضیه های آزمایش شده را شامل شود.^۴

یک نظریه علمی با به کارگیری فرضیه یا گروهی از فرضیات که در گذر زمان درستی شان به دفعات به اثبات رسیده، توضیحی برای مجموعه ای از اتفاقات مرتبط با یکدیگر ارائه می کند همانند نظریه تکامل و یا نظریه بیگ بنگ.^۱

^۱ <http://www.businessinsider.com/comparing-genetic-similarity-between-humans-and-other-things-2016-5#cats-are-more-like-us-than-you-think-a-2007-study-found-that-about-90-of-the-genes-in-the-abyssinian-domestic-cat-are-similar-to-humans-3>

^۲ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/22821>
audio_2018-03-10_23-17-00

^۳ جهت کسب اطلاعات بیشتر مطالعه مقاله آشنایی با فکت، فرضیه، نظریه و قانون توصیه می شود

<https://www.almahdyoon.co/index.php/component/k2/item/807-2018-04-04-12-39-55>

^۴ Teaching About Evolution and the Nature of Science - National Academy Press. p5

<https://www.nap.edu/catalog/5787/teaching-about-evolution-and-the-nature-of-science>

نظریه: یک توضیح مستدل یا مجموعه ای از اظهارات، که طی بسیاری از آزمایش های مستقل تایید شده است، می باشد.

نظریه تکامل داروین، بوسیله انتخاب طبیعی به ما می گوید که چرا مشاهدات پیرامون زندگی در این سیاره، همان طور است که ما آن ها را می بینیم. نظریه علمی و قوانین، هر دو، برای پیش بینی وقایع آینده استفاده می شود.^۲

نظریه: در علم، یک توضیح مستدل از برخی از جنبه های جهان طبیعی است که می تواند حقایق، قوانین، نتیجه گیری و فرضیه های تست شده را شامل شود.^۳

پس نظریه و فرضیه های آزمایش شده، مبتنی بر دلایل ظنی نمی باشند بلکه مورد آزمایش واقع شده و توسط مجامع علمی تأیید شده اند.

جیمی تانر، استاد زیست شناسی در دانشکده مارلبورو، می گوید: شیوه ای که دانشمندان از کلمه «نظریه» استفاده می کنند کمی متفاوت از آن چیزی است که معمولاً در جامعه عمومی استفاده می شود. اکثر مردم از کلمه «نظریه» استفاده می کنند به معنی یک ایده یا حدس و گمانی که کسی دارد، اما در علم کلمه «نظریه» اشاره به شیوه ای است که ما حقایق را تفسیر می کنیم.

روند تبدیل شدن به یک نظریه علمی

هر نظریه علمی به عنوان یک فرضیه آغاز می شود. یک فرضیه علمی یک راه حل پیشنهاد شده برای یک رخداد غیر قابل توضیح است که بر یک نظریه علمی پذیرفته شده مطابقت ندارد. به عبارت دیگر، براساس دیکشنری Merriam-Webster، یک فرضیه ایده ای است که تاکنون ثابت نشده است. اگر شواهد کافی برای حمایت از یک فرضیه تجمع پیدا کنند، در روش علمی به گام بعدی (یعنی شناخته شده به عنوان یک نظریه) حرکت می کند و به عنوان یک توضیح معتبر از یک پدیده پذیرفته می شود.

¹ <https://www.thoughtco.com/hypothesis-model-theory-and-law-2699066>

فرضیه، مدل، نظریه و قانون در علم - <http://bigbangpage.com/science-content/>

² <https://ncse.com/library-resource/definitions-fact-theory-law-scientific-work>

³ <https://ncse.com/library-resource/definitions-fact-theory-law-scientific-work>

تأثر بیشتر توضیح داد که نظریه علمی چارچوبی برای مشاهدات و حقایق است. نظریه ها ممکن است تغییر کنند، یا روش تفسیر آنها ممکن است تغییر کند، اما فکت ها خودشان تغییر نمی کنند. تأثر نظریه ها را به یک سبد تشبیه کرد که دانشمندان واقعیت ها و مشاهداتی که می یابند را در آن نگهداری می کنند. همان طور که دانشمندان به واقعیت بیشتری دست می یابند، شکل سبد ممکن است تغییر کند.

اصول نظریه

دانشگاه کالیفرنیا برکلی نظریه را توضیح گسترده و طبیعی برای طیف گسترده ای از پدیده ها می نامد. نظریه ها مختصر، منسجم، سیستماتیک، پیش بینی کننده و به طور گسترده ای قابل اجرا هستند، اغلب از تکامل و یا تعمیم بسیاری از فرضیه ها به وجود می آیند.

هر نظریه علمی باید بر مبنای بررسی دقیق و عقلایی فکت ها باشد. فکت ها و نظریه ها دو چیز متفاوت هستند. در روش علمی، تفاوت واضحی میان فکت که می تواند مشاهده و یا اندازه گیری شود و نظریه هایی که توضیحات و تفسیر دانشمندان از فکت ها است، وجود دارد.

بخش مهمی از نظریه علمی، شامل اظهاراتی است که دست آوردهایی دارد. یک نظریه خوب مانند نظریه گرانش نیوتن دارای یکپارچگی مطالب است یعنی شامل تعداد مشخصی استراتژی حل مسئله است که میتوان از آنها برای بسیاری از رویدادهای علمی استفاده کرد. ویژگی دیگر یک نظریه ی خوب این است که نظریه از تعدادی فرضیه شکل گرفته باشد که هر کدام به طور مستقل قابل آزمایش باشد.

تکامل یک نظریه علمی

نظریه علمی نتیجه نهایی روش علمی نیست؛ نظریه ها، همانند فرضیه ها می توانند اثبات یا رد شوند. همانطور که اطلاعات بیشتری جمع آوری میشود و دقت پیش بینی در طول زمان پیشرفت میکند. نظریه ها میتوانند بهتر و اصلاح شوند.

نظریه ها پایه های علم و دانش بیشتر و جدید هستند. اطلاعات جمع آوری شده به مرحله ی استفاده ی عملی می رسند و دانشمندان از نظریه ها برای پیشرفت اختراعات و یافتن راه درمان برای بیماری ها استفاده می کنند.

برخی معتقدند نظریه ها به قوانین تبدیل می شوند، اما نظریه ها و قوانین نقش متفاوت در روش علمی دارند. یک قانون توصیفی از یک پدیده مشاهده شده در طبیعت است که هر بار آزمایش می شود درستی آن ثابت میشود. قانون توضیح نمی دهد که چرا چیزی درست است؛ بلکه فقط می گوید که این درست است. از سوی دیگر، نظریه مشاهداتی که در جریان پروسه علمی جمع آوری می شود، توضیح می دهد. بنابراین، در حالی که قانون و نظریه، هر دو بخشی از فرآیند علمی هستند، به نظر انجمن ملی اساتید علوم، دو جنبه ی کاملاً متفاوت با یکدیگر دارند.^۱

و در جای دیگر ادوین صالح می گوید:

تکامل فقط یک فرضیه است ثابت نشده، علم نیست. بر اساس یکسری شواهد و تفسیرها و تعبیرهایی است که دقیقاً برعکس آن را هم می شه ثابت کرد.^۲

پاسخ: اینجا هم با جهل ایشان نسبت به متد علمی مواجه هستیم.

واقعا جای تعجب دارد که او علم را چه می داند؟! آیا علم جز فرضیات آزمایش شده، نظریات تأیید شده و قوانین و فکت های علمی است؟! به احتمال زیاد او علم را محصور در معادلات ریاضی قوانین کتاب های فیزیک می داند!!!!

و اما اینکه گفته است «بر اساس یکسری شواهد و تفسیرها و تعبیرهایی است که دقیقاً برعکس آن را هم می شه ثابت کرد» ما به ایشان توصیه می کنیم فقط یک نمونه از مثال های نقض را ارائه نمایند و این در حالیست که اگر ایشان بتوانند فقط در یک نمونه به روش علمی پیش بینی های نظریه تکامل و شواهد دال بر آن را رد کند جایزه نوبل به او تعلق می گیرد. از این رو به این معلم

¹ <https://www.livescience.com/21457-what-is-a-law-in-science-definition-of-scientific-law.html>

² <https://t.me/arshivporseshvapasokh/9363>
audio_2018-03-11_00-14-28

مسیحی توصیه می کنیم جهان علم را از دانسته های خود محروم نکند و در اسرع وقت مقاله ای علمی بنویسد و به مجامع علمی و ژورنال های معتبر علمی ارائه دهند.

و ادوین صالح در جای دیگری در مورد تکامل حیات گفته است:

دوست عزیز اگر شما مسیحی حقیقی هستید چرا این چرندیات را باور می کنید اولاً که تکامل یا فرگشت یک فرضیه است، هیچ اثبات علمی ندارد دانشمندان امروز خودشان هم در محافل علمی، بحثی هست و اختلاف نظر هست در مورد ظهور انسان روی کره ی زمین. تکامل یا داروینیسیم یا فرگشت ژنتیکی یک فرضیه است.^۱

پاسخ: او فکر می کند با بکار بردن عبارت فرضیه، فکت تکامل حیات فاقد اعتبار می شود!! در حالیکه حتی اگر توضیحات ارائه شده برای تکامل حیات (که نظریه می باشند) را فرضیه بدانیم، ادوین صالح باید بداند که فرضیه های علمی، توضیحات قابل آزمایش^۲ برای سوالات و مشاهدات ما می باشند نه یک سلسله حدسیات بی ارزش.

فرضیه: یک توضیح آزمون پذیر (قابل آزمایش) درباره جهان طبیعی است که می تواند در ایجاد نتیجه گیری های پیچیده تر و توضیحات استفاده شود.^۳

یکی از ویژگیهای علم، مفهوم فرضیه قابل آزمایش^۴ است. یک فرضیه قابل آزمایش باید پیش بینی هایی ارائه کند که بتوان با مشاهدات مستقل آن را ارزیابی کرد.

بنابراین، یک تبیین علمی باید پیش بینی های ریسک داری را ارائه دهد که در صورت درستی فرضیه، پیش بینی ضرورتاً اتفاق بیفتد.^۵

فرضیه گزاره ای است محدود به شرایطی خاص که در توضیح رابطه علت و معلولی توسط آزمایش، مشاهدات و یا آنالیز آماری قابل آزمایش باشد. نتیجه این آزمایشات در حال

^۱ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/23664>
audio_2018-03-11_01-00-17

^۲ Testable Explanations

^۳ Teaching About Evolution and the Nature of Science - National Academy Press. p5

^۴ The Testable Hypothesis

^۵ <http://www.talkorigins.org/faqs/comdesc/sciproof.html>

حاضر باید نامشخص باشد تا زمانی که نتایج این آزمایشات اطلاعات مفیدی را درباره ی درستی یا نادرستی فرضیه فراهم کند.^۱

در نتیجه فرضیه باید آزمون پذیر باشد؛ یعنی بتوان آن را بر پایه داده های تجربی آزمود و به این دلیل، برخی فرضیه ها سالیان سال صحتشان به خاطر محدودیت ابزارهای آزمایش به تاخیر می افتد و تأیید نمی شوند و دانشمندان، روش های مختلف برای سنجش صحت فرضیه را به کار می گیرند و در نتیجه، آن فرضیه یا تأیید می شود یا رد.

گاهی اوقات یک فرضیه باید مدت زمانی در انتظار باشد تا توسط دانش یا تکنولوژی جدید قابل آزمایشی باشد. به عنوان مثال مفهوم اتم که یونانیان باستان ارائه دادند قرن ها بعد، زمانی که دانش بیشتری در اختیار بشر قرار گرفت - هر چند پس از بارها اصلاح - توسط جوامع علمی پذیرفته شد.^۲

اما جایی که او می گوید «هیچ اثبات علمی ندارد دانشمندان امروز خودشان هم در محافل علمی، بحثی هست و اختلاف نظر هست در مورد ظهور انسان روی کره ی زمین»، اگر منظورشان از ظهور انسان روی زمین همان تکامل حیات و سیر تطور انسان است اتفاقا باید بدانند که امروزه واقعیت تکامل حیات پذیرفته شده است (یعنی انسان دفعتا از گل خلق نشده بلکه حاصل تکامل حدودا ۴ میلیارد ساله می باشد) ولی هنوز متاسفانه علمای ادیان و اتباعشان در فهم این واقعیت علمی مشکل دارند!! و آن چیزی که امروز در محافل علمی مورد بحث است چگونگی سیر تکامل حیات است و در مورد تفسیر و توضیح تکامل حیات دانشمندان روز به روز به توفیقات بیشتر علمی دست پیدا می کنند. و اینگونه نیست که برخی از دانشمندان بگویند جسم حضرت آدم (ع) دفعتا از گل درست شده!! و تعدادی دیگر بگویند نه حاصل تکامل است.

دانشمندان همچنین از عبارت واقعیت (فکت) برای اشاره به توضیح علمی استفاده می کنند که بارها آزمایش شده و مورد تایید قرار گرفته است و دیگر هیچ دلیل قانع کننده ای برای آزمایش و یا جستجوی شواهد جدید برای آن ندارند.

^۱ <https://www.thoughtco.com/hypothesis-model-theory-and-law-2699066>
فرضیه، مدل، نظریه و قانون در علم - <http://bigbangpage.com/science-content/علم>

^۲ <https://www.thoughtco.com/hypothesis-model-theory-and-law-2699066>

بر این اساس، گذشته و تداوم رخدادهای تکاملی (فرگشتی) واقعیت علمی (فکت) هستند.

چون شواهدی که آنها را حمایت می کنند بسیار قوی هستند و برای دانشمندان دیگر این پرسش وجود ندارد که آیا تکامل (فرگشت) در زیست شناسی رخ داده است و آیا هم اکنون هم در حال رخ دادن است یا نه.

به جای این پرسش، آنها به دنبال تحقیق درباره مکانیزم های تکامل (فرگشت) و پرسش هایی از این دست هستند که چگونه تکامل (فرگشت) می تواند سریعاً رخ دهد.^۱

از این رو ما می دانیم که تکامل حیات یک واقعیت است و نظریاتی هم برای توضیح فکت تکامل حیات ارائه شده اند نظیر نظریه انتخاب طبیعی، نظریه سنتز تکاملی مدرن، نظریه سنتز تکاملی توسعه یافته (EES) و ... که این نظریه ها می توانند تصحیح یا بعضاً رد شوند ولی واقعیت تکامل حیات، موضوعی است که پذیرفته شده و بارها تجربه و تأیید شده است.

تکامل هم واقعیت و هم نظریه می باشد.

Richard E. Lenski

فهم علمی به هر دوی واقعیت ها و نظریه ها برای توضیح آن حقایق به یک شیوه منسجم نیازمند است. تکامل در این متن هم یک واقعیت و هم یک نظریه می باشد. این یک واقعیت مسلم است که موجودات در طی تاریخ حیات روی زمین، تغییر یا تکامل یافته اند. و زیست شناسان مکانیسم هایی که می توانند عمده الگوهای این تغییر را توضیح دهند، شناسایی و مورد بررسی قرار داده اند.^۲

در مقابل، توضیحی که ارگانیسم ها با تغییراتی از اجداد مشترک به دنیا آمده اند - واقعیت تاریخی تکامل - یک نظریه نیست. این یک واقعیت است، همان طور که چرخش زمین در اطراف خورشید یک واقعیت است. همانند منظومه شمسی دوار به دور خورشید،

^۱ <http://www.nas.edu/evolution/TheoryOrFact.html>

فرگشت یک-تئوری-است-یا-حقیقت-علمی-<http://www.daneshagahi.com/scientists-posts/77>

^۲ <http://www.actionbioscience.org/evolution/lenski.html>

تکامل به عنوان یک فرضیه آغاز شد و واقعیت را به عنوان شاهی به نفع خود بدست آورد، و چنان قوی بود که هیچ فرد آگاه و بی طرف نمی تواند واقعیت آن را انکار کند. امروزه هیچ زیست شناسی نمی تواند مقاله ای تحت عنوان "شواهد جدید برای تکامل" را ارائه دهد؛ و واقعا به مدت یک قرن است که این موضوع مطرح نشده است.^۱

اما ادوین صالح در جای دیگری می گوید:

دانشمندان، اکثرا دانشمندان بی خدا هستند که سعی می کنند که هر طور شده خدا را بذارن بیرون از موارد علمی و با تئوری ها و فرضیاتی که از خودشان میسازند ثابت کنند طبیعت ما، دنیای ما نیازی به خالق ندارد و خودش، خودش را ساخته پس از دیدگاه مسیحیت مردود است.^۲

پاسخ: این جمله ادوین صالح که می گوید « با تئوری ها و فرضیاتی که از خودشان میسازند » عمق نگاه عوامانه و سطحی او به متد علمی را اثبات می کند او فکر می کند دانشمندان همچون علمای غیرعامل ادیان، شب می خوابند و صبح بیدار می شوند و یک نظریه ارائه می دهند!!! و فردا روز هم آن را پس می گیرند! و به همین راحتی تلاش ها و زحمات شبانه روزی و دقیق دانشمندان را به سخره می گیرند! واقعا جای بسی تعجب است که این عالم مسیحی در عصر جدید زندگی می کند ولی هنوز تابع روش مدعیان دین در قرون وسطی است و می خواهد پیرو مسیر مستبدانه و جاهلانه آنها باشد و با علم و اهل علم ستیز و دشمنی می کند و بدون هیچ نمونه آماری می گوید اکثر دانشمندان بی خدا هستند!!! او چگونه اینقدر راحت اکثر دانشمندان جهان را خدانا باور حساب می کند و خودش را خدانا باور می داند؟!!!

او باید بداند که دانشمندان طبق متد علمی، یافته های علمی خود را ارائه می دهند و پس از تأیید توسط ژورنال های علمی منتشر می شوند و در روش علمی تمایلات نفسانی و تعصب و بعضا کمبود شخصیت فرد، نقشی ندارد ولیکن دخالت موارد مذکور در فتواها، آراء و نظرات ظنی و فاقد ارزش علمای غیرعامل ادیان موج می زند!!!

¹ Douglas J. Futuyma, Evolutionary Biology, 2nd ed., 1986, Sinauer Associates, p. 15
<http://www.talkorigins.org/faqs/evolution-fact.html>

² <https://t.me/arshivporseshvapasoekh/2321>
audio_2018-03-11_01-23-55

و ادوین صالح کیست که از منظر مسیحیت نظر می دهد و یافته های علمی را از دیدگاه مسیحیت مردود می کند؟! آیا او غلام امین^۱ است؟! یا همان تسلی دهنده^۲ موعود؟!۳

و ادوین صالح باز همان حرف های خود را به نوع دیگری می گوید:

تکامل یک فرضیه است دوست عزیز، این چرنديات که به خورد شما دادند لطفا درست به آن فکر کنید بهش می گن فرضیه ی تکامل، یعنی اثبات آزمایشگاهی ندارد اثبات علمی هم ندارد یک فرضیه ایست که بر اساس یکسری شواهدیست که دانشمندان حدس می زنند.^۳

پاسخ: به او توصیه می کنیم مطالبی که در صفحات پیشین ارائه شد در مورد فرضیه و نظریه (و شرط آزمون پذیری آنها) را مطالعه کند.

آیا ادوین صالح کمی به این جمله خویش « یک فرضیه ایست که بر اساس یکسری شواهدیست که دانشمندان حدس می زنند » فکر کرده است؟! آیا می داند شواهد علمی چیست؟؟

اما اینکه می گوید « بهش می گن فرضیه ی تکامل » هم باز نظر شخصی خود اوست که در زیر چند ژورنال و منبع علمی که از واژه تئوری (نظریه) استفاده کردند را ذکر می کنیم تا ببینیم آیا مجامع علمی طبق توهم ادوین صالح به توضیحات تکامل فرضیه می گویند یا نه؟؟

What is Darwin's **Theory** of Evolution?

<https://www.livescience.com/474-controversy-evolution-works.html>

A **theory** of evolution above the species level

<http://www.pnas.org/content/72/2/646.short>

Evolutionary **theory**

<https://www.nature.com/subjects/evolutionary-theory>

Evolutionary **Theory** and Psychology

^۱ پس آن غلام امین و دانا کیست که اربابش او را به سرپرستی خانواده خود گماشته باشد تا خوراک آنان را به موقع بدهد؟(متی ۲۴: ۴۵)

^۲ لیکن تسلی دهنده یعنی روح القدس که پدر او را به اسم من میفرستد، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه به شما گفتم به یاد شما خواهد آورد.(یوحنا ۱۴: ۲۶)

برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد تسلی دهنده به لینک زیر مراجعه نمایید:

<https://www.almahdyoon.co/index.php/2017-04-30-07-04-51/2017-04-30-07-36-22>

^۳ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/22742>

audio_2018-03-11_01-31-57

<http://www.apa.org/science/about/psa/2009/05/sci-brief.aspx>

Evolutionary **Theory**

<http://cogweb.ucla.edu/ep/Evolution.html>

Why Everyone Should Learn the **Theory** of Evolution

<https://www.scientificamerican.com/article/why-everyone-should-learn-evolution/>

A **theory** of evolution above the species level.

<https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/1054846>

Darwin's **theory** of evolution

http://www.bbc.co.uk/schools/gcsebitesize/science/21c_pre_2011/evolution/theoryevolutionrev2.shtml

Expanding the **theory** of evolution

<https://www.sciencedaily.com/releases/2015/08/150804202710.htm>

Evolution: Fact and **Theory**

<http://www.actionbioscience.org/evolution/lenski.html>

Evolution as Fact and **Theory**

<http://www.indiana.edu/~ensiweb/pap.evo.as.fact.theory.html>

Evolution is a Fact and a **Theory**

<http://www.talkorigins.org/faqs/evolution-fact.html>

Evolution is both fact and **theory**

<http://www.actionbioscience.org/evolution/lenski.html>

Theory and the Fact of Evolution

<https://ncse.com/cej/8/1/theory-fact-evolution>

Evolution as Fact, **Theory**, and Path

<https://link.springer.com/article/10.1007/s12052-007-0001-z>

پس آنچه که هم کیشان ادوین صالح در مورد تکامل حیات می گویند الزاما آن چیزی نیست که در محافل علمی گفته می شود.

نظریه تکامل (فرگشت) نیز مانند نمونه های دیگر از نظریه های بنیادی علمی، توسط تعداد بسیار زیادی از مشاهدات و تجربیات تایید شده، حمایت می شود به صورتی که دانشمندان مطمئن هستند که اجزاء پایه ای نظریه تکامل (فرگشت) توسط هیچ شواهد جدیدی دچار تغییر و ابطال نخواهد شد.^۱

^۱ <http://www.nas.edu/evolution/TheoryOrFact.html>

به پرسش و پاسخ زیر نیز توجه نمائید:

سوال: برادر تکامل و فرگشت نمیگه انسان از نسل میمونه درواقع میگه انسان و میمون جد مشترکی دارند. موجودی به اسم لوسی که بر میگردد به ۳ میلیون سال پیش که در کنیا و جنوب اتیوپی می زیست فسیل معروف لوسی متعلق به همین گونست.^۱

پاسخ ادوین صالح: اولاً این باز فرضیه است و تئوریه و هیچ حقیقتی ندارد از لحاظ علمی. این یک حدسی است که دانشمندان بر اساس یک سری شواهد که اون هم ناقص و ناکامل هست این حرف رو می زنند.^۲

پاسخ: اینکه فرضیه و تئوری (نظریه) را یکی می داند دال بر بی اطلاعی او نسبت به متد علمی است (زیرا فرضیه علمی و نظریه علمی دو چیز متفاوت می باشند و تعاریف خاص خودشان را دارند) که قبلاً هم به این موضوع اشاره کردیم و او فکر می کند نظریه علمی و فرضیه آزمایش شده، هر دو مبتنی بر حدس است!!! و این حدسیات معیار کار دانشمندان است!!

در کاربرد روزمره، نظریه اغلب به یک حدس یا یک گمانه زنی اشاره می کند. وقتی که مردم می گویند، "من یک نظریه در مورد اینکه چرا این اتفاق افتاده است دارم" آنها اغلب بر اساس شواهد ناقص یا بی نتیجه، یک نتیجه گیری را در ذهن خود ترسیم می کنند.

اما تعریف رسمی نظریه در علم با آن چیزی که در کاربرد روزمره به شکل لغوی معنی می کنند، کاملاً متفاوت است.

کلمه نظریه در علم، به توضیحی جامع در مورد جنبه هایی از طبیعت اشاره می کند که توسط مقدار بسیار زیادی از شواهد حمایت می شود.

خیلی از نظریه های علمی به شکل بسیار خوبی پایدار شده اند به شکلی که احتمالاً هیچ شواهد جدیدی نمی تواند در آنها تغییر قابل توجهی ایجاد کند.

¹ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/21018>

² <https://t.me/arshivporseshvapasokh/21019>
audio_2018-03-10_23-32-24

به عنوان مثال، هیچ شواهد جدیدی نشان نخواهد داد که زمین به دور خورشید نمی چرخد (نظریه خورشید مرکز) یا چیزهای زنده از سلول ساخته نشده اند (نظریه سلولی) یا ماده از اتم تشکیل نشده است یا پوسته کره زمین از صفحات سختی که در دوران های زمین شناسی بر روی هم حرکت کرده اند، تشکیل نشده است (نظریه صفحات تکتونیکی).

نظریه تکامل (فرگشت) نیز مانند نمونه های دیگر از نظریه های بنیادی علمی، توسط تعداد بسیار زیادی از مشاهدات و تجربیات تایید شده، حمایت می شود به صورتی که دانشمندان مطمئن هستند که اجزاء پایه ای نظریه تکامل (فرگشت) توسط هیچ شواهد جدیدی دچار تغییر و ابطال نخواهد شد.

به هر حال مانند تمام نظریه های دیگر علمی، نظریه تکامل (فرگشت) هم موضوعی است که به طور مداوم با ظهور علوم جدید و تکنولوژی های نوین و امکان مشاهدات و تجربیاتی که قبلاً امکان پذیر نبوده، تکمیل تر خواهد شد.

یکی از مفیدترین خواص نظریه های علمی این است که می توان از آنها برای پیش بینی درباره رویداد های طبیعی یا پدیده هایی که هنوز مشاهده نشده اند استفاده کرد.

به طور مثال، نظریه جاذبه رفتار اشیاء را بر روی ماه و سایر سیارات، خیلی قبل از اینکه توسط فعالیت فضاپیما ها و فضانوردان تایید شود، پیش بینی کرده بود.

زیست شناسان تکاملی [به رهبری دکتر نیل شوبین]^۱ که تیکتالیک^۱ را کشف کردند، قبل از کشف، پیش بینی کرده بودند که آنها می بایست فسیل هایی از جانور میانی بین ماهی و حیوانات چهار دست و پای خشک زی در میان رسوبات پیدا کنند، که مربوط به ۳۷۵ میلیون سال قبل بوده باشند.

¹ Tiktaalik

کشف آنها، پیش بینی که بر اساس مفاهیم بنیادی نظریه تکامل انجام شده بود را تایید کرد و لذا تایید هر پیش بینی بر اساس هر نظریه علمی، اعتماد به آن نظریه را افزایش می دهد.^۱

پرسش و پاسخی دیگر:

سوال: نظرتون را در مورد نظریه تکامل می خواستم با توجه به اینکه این نظریه از لحاظ علمی ثابت شده است؟

پاسخ ادوین صالح: هیچ چنین چیزی نشده است دوست عزیز، هر کس به شما گفته شما را شستشوی مغزی داده است، نظریه نیست فرضیه تکامل است، نظریه هم بخواهید بگیرید فقط یک نظر است، فرضیه است هیچ اثبات علمی برای تکامل وجود ندارد دانشمندان امروز خودشان در بحث هستند که داروینیسیم کاملاً مردود شده است.^۲

پاسخ: جالب است ادوین صالح ابتدا می گوید توضیحات تکامل نظریه نیست و فرضیه است (در حالیکه در جاهای دیگر گفته بود نظریه نیز می باشد!!) و بعد در ادامه می گوید نظریه یک نظر و فرضیه است!!! خب اگر نظریه معادل فرضیه است (در حالیکه اینچنین نیست)، پس چرا در ابتدا می گوید نظریه نیست و فرضیه است؟؟!! و ای کاش این عالم مسیحی که ژنتیکدان نیز می باشد!! قبل از اینکه به متد علمی آگاه شود در این موضوعات نطق نمی کرد.

و قضاوت در مورد این موضوع که آیا دانشمندان مردم را شستشوی مغزی می دهند یا برخی علمای غیر عامل مسیحی که عقیده تثلیث (اقانیم سه گانه) را بدون هیچ دلیلی به خورد اتباع بیچاره خود می دهند، را به عهده شما می گذاریم.

و همچنین اینکه نظریه را معادل یک نظر یا فرضیه می داند صرفاً دلالت بر اطلاعات کم ادوین صالح نسبت به متد علمی دارد که به نقد و توضیح خاصی نیاز ندارد و در مطالب پیشین تفاوتشان

¹ <http://www.nas.edu/evolution/TheoryOrFact.html>

<http://www.daneshagahi.com/scientists-posts/77-فرگشت-یک-تئوری-است-یا-حقیقت-علمی->

² <https://t.me/arshivporseshvapasokh/5402>

audio_2018-03-11_00-41-29

توضیح داده شد و برای کسب اطلاعات بیشتر می توانید مقاله «آشنایی با فکت، فرضیه، نظریه و قانون» را مطالعه نمائید.^۱

برداشت اشتباه از نظریه تکامل حیات

ادوین صالح می گوید:

مسلمانان کلام خداوند می گویند خالق هستی خداست، خدا خلقت را انجام داد نه طبیعت خود به خود. چون در فرضیه تکامل نیازی به نیروی خارج از هستی وجود ندارد، نیازی به خدا نیست دنیا خودش رو بوجود میاره و از تک یاخته به پریاخته و به جانوران و از رده به رده تبدیل می شه.^۲

پاسخ: تکامل حیات بی نیاز از خالق آگاه و هدفدار نمی باشد و اینگونه که ادوین صالح می گوید «نیازی به نیروی خارج از هستی وجود ندارد» برداشت برخی خدا ناباوران از نظریه تکامل می باشد که آنها نظم حیات زمینی را محصول تکامل می دانند و موثر تکامل را طبیعت کور و نابینا معرفی می کنند در حالیکه موثر تکامل، وجودی آگاه و هدفدار است زیرا تکامل هدفمند است و طبق اصل صفت اثر دلالت بر صفت موثر دارد، پی می بریم موثر حیات زمینی و تکامل، وجودی آگاه، هدفدار و ناظم می باشد نه طبیعت کور و نابینا.

اما از آنجا که علمای غیرعامل ادیان (مسلمان، مسیحی و یهودی)، عاجز از فهم صحیح نظریه تکامل حیات هستند پس به طریق اولی از ارائه شواهد علمی در تائید هدفمند بودن تکامل نیز عاجز می باشند و از این رو به جای ارتقای دانش خود و مطالعه بیشتر، سیره ی علمای قرون وسطی را پیش گرفته و از ریشه واقعیت تکامل حیات تائید شده را رد می کنند!!! (پاک کردن صورت مساله) دو بدون ارائه ی هیچ دلیل علمی، آنها را ظنیات و چرنیات می دانند!!

که به علت طولانی بودن این بحث خوانندگان گرامی را به مطالعه فصل ۴ کتاب توهم بی خدایی^۳ نوشته احمدالحسن توصیه می کنیم.

^۱ <https://www.almahdyoon.co/index.php/component/k2/item/807-2018-04-04-12-39-55>

^۲ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/5405>
audio_2018-03-11_00-26-12

^۳ <https://www.almahdyoon.co/doa.html#p=198>

احمدالحسن بدون استفاده از شکاف های علمی و سفسطه های پوچ یونانی، هدفمندی تکامل را با ارائه شواهد تأیید شده علمی و استدلال های صحیح منطقی، اثبات می کند.

و نیز ادوین صالح باید بداند که نظریه تکامل نمی گوید «نیازی به خدا نیست دنيا خودش رو بوجود میاره» و این نظریه صرفاً در مورد چگونگی تطور و تکامل حیات از همانند ساز اولیه تا تنوع پیچیده گونه های فعلی در طول حدوداً ۴ میلیارد سال، توضیح ارائه می دهد و در مورد چگونگی پیدایش کهکشان ها و جهان و ... توضیحی ارائه نمی کند.

محاسباتی که هیچ دانشمندی انجام نداده است

ادوین صالح می گوید:

در پیدایش باب ۵ آیه ۳ در خلاصه زندگی آدم می گوید که آدم فرزندان دیگری داشت (پسران و دختران دیگه ای) و چون عمر آنها زیاد بود ازدواج در بین خواهران و برادران و خواهر زاده ها.

به حساب محاسباتی که دانشمندان کردند در زمان طول عمر آدم، چندین هزار بچه و نوه و نتیجه و نبیره و ندیده در آن زمان زندگی می کردند و با هم دیگر اجازه داشتن ازدواج بکنند.^۱

پاسخ: اینکه ادوین صالح قائل است تمام انبیا و مومنین به انبیا و اساساً بشر امروزی بعد از فرزندان آدم (ع)، حاصل زنا با محارم هستند این موضوعی است که دلالت بر بی خردی این فرد دارد. جالب است او حاصل زنا بودن خود را با کمال میل و آغوش باز می پذیرد!!! ولی این سخن علمی که او تکامل یافته ی گونه های پیشین می باشد را با لجاجت تنفر آمیزی بدون دلیل رد می کند.

و برای آگاهی بیشتر در مورد این موضوع که ادوین صالح با نادانی محض در موردش نطق نموده است می توانید فصل سوم کتاب توهّم بی خدایی را مطالعه نمایید و از اصل داستان مطلع شوید.^۲

^۱ <https://t.me/arshivporseshvapasoKh/22822>
audio_2018-03-10_23-25-17

^۲ پژوهشی درباره ی زنا با محارم و تکامل:

و همچنین مطلب دیگری را بیان می کند که کذب محض است و می گوید «به حساب محاسباتی که دانشمندان کردند در زمان طول عمر آدم، چندین هزار بچه و نوه و نتیجه و نبیره و ندیده در آن زمان زندگی می کردند» از ایشان درخواست داریم رفرنس این گفته ی خود را بیان کنند که محاسبات کدام دانشمند را ایشان مطرح کردند؟!!!

در کدام ژورنال علمی طول عمر حضرت آدم (ع) و اساسا زمان (هر چند تقریبی) زندگی ایشان را به همراه تعداد بچه و نوه و ... را با محاسبات ذکر کردند؟!!!

در حالیکه چنین مقاله ای چاپ نشده است و ادوین صالح به دروغ به دانشمندان نسبت داده است!!

تکامل یا ایمان مسیح!!

ایشان در پاسخ یک پرسشگر اینگونه جواب می دهند:

شما اگر می خواهید باور داشته باشید که جد بزرگ شما یک میمونی بوده یا یک حیوان دیگری بوده، این به شما بستگی دارد. کتاب مقدس می گوید انسان یک موجود کاملا منحصر به فرد خلق شده در صورت و شباهت خدا. اینو من نمی تونم عوض بکنم. دوست ندارید از ایمان مسیح برید بیرون، برید دنبال تکامل و تئوری های دیگر. ببینم که اون موقعی که جلوی قبر یکی از عزیزانتون ایستادید موقعی که مشکلات زندگی براتون پیش آمد اون موقع که آرامشتون رو از دست دادید و تشویش های زندگی، کدام میمون می تونه به شما کمک کند.¹

پاسخ: در پاسخ فوق همانطور که مطالعه نمودید ادوین صالح به جای نقد علمی، پاسخی احساسی و کمی تند می دهد و البته با چاشنی نیرنگ!!

او به عمد دوبار از واژه میمون استفاده می کند. یکبار او را جد بزرگ انسان می داند و در جای دیگر میمون را در مقام خداوند قرار داده و می گوید از او کمک بخواهید!!!

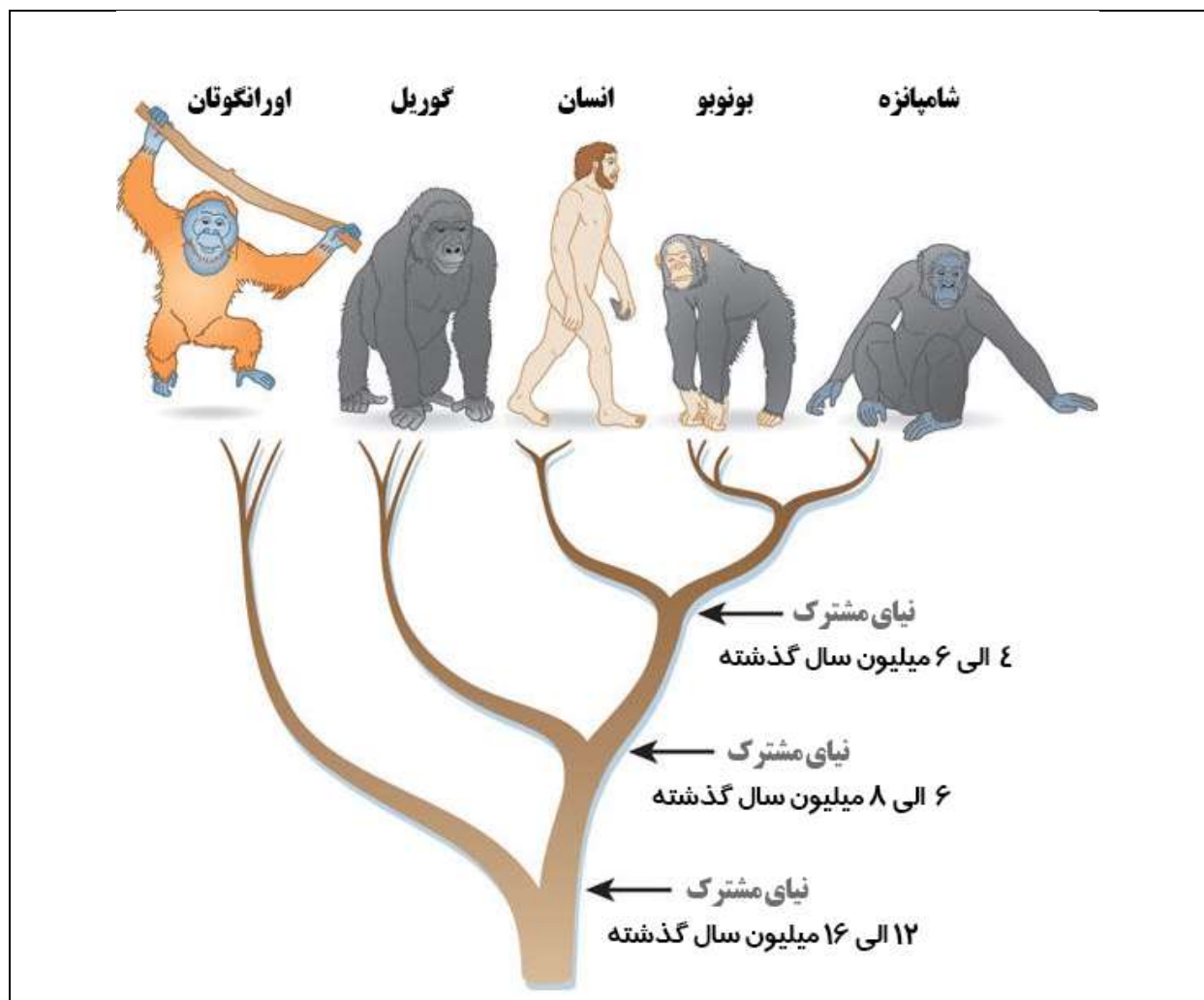
<https://www.almahdyoon.co/doa.html#p=174>

¹ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/21019>

audio_2018-03-10_23-32-24

آیا هر فردی که نظریه تکامل را قبول دارد میمون پرست است؟؟ و نیز در کجای نظریه تکامل ذکر شده است، انسان تکامل یافته ی میمون است؟؟

او با به کار بردن این واژه ها سعی دارد به مخاطب خود القا کند که دانشمندان معتقد به نظریه تکامل، خدانا باور (یا به تعبیری میمون پرست) هستند و نیز می گویند ما از میمون ها تکامل یافته ایم در حالیکه اینچنین نیست.



نقشه انشقاق انسان از سایر نخستی سانان

همانطور که مشخص است نزدیک ترین خویشاوند تکاملی ما، شامپانزه ها هستند که جد مشترک ما و شامپانزه ها متعلق به ۴_۶ میلیون سال پیش می باشد. همانطور که ملاحظه میشود ما از نسل شامپانزه، گوریل، اورانگوتون یا به عبارتی میمونها نیستیم بلکه دارای یک جد مشترک هستیم.

- Tree showing the divergence of human and ape species
- <https://www.nature.com/articles/nature01400/figures/1>

و اینکه می گوید « جد بزرگ شما یک میمونی بوده یا یک حیوان دیگری بوده، این به شما بستگی دارد.»¹ اولاً مگه منوی غذاست که ادوین صالح به پرسشگر می گوید به او بستگی دارد و باید یکی را انتخاب کند!!! و ثانیاً اگر او جد انسان امروزی را حیوان خطاب می کند باید بداند که خودش نیز حیوانی ناطق یا حیوانی ابزار ساز می باشد و در گونه ی هوموساپینس است که طبق رده بندی علمی جانداران، جایگاه ما به قرار زیر می باشد:

- ✓ فرمانرو (سلسله): جانوران
- ✓ شاخه: مهره داران
- ✓ رده: پستانداران
- ✓ راسته: نخستین سنان (نخستیان)
- ✓ خانواده (تیره): انسانیان (انسان واره – هومینید)
- ✓ سرده (جنس): انسان (Homo)
- ✓ گونه: انسان دانا (هوموساپینس – H. sapiens)

و آنچه که باعث تمایز حضرت آدم (ع) و نسل او از سایر هوموساپینس های مهاجر و انسان های نئاندرتال و ... شد، داشتن نفس برتر بود وگرنه جسم ما نیز مانند سایر حیوانات حاصل تکامل حیات است. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد تفاوت اصلی ما با حیوانات و اصل داستان خلقت جسم و نفس آدم (ع) مطالعه فصل سوم¹ کتاب توهّم بی خدایی توصیه می شود.

و نیز ادوین صالح بر چه اساسی می گوید: « دوست ندارید از ایمان مسیح برید بیرون، برید دنبال تکامل و تئوری های دیگر» مگر ایمان به مسیح با اعتقاد به یافته های تأیید شده علمی تعارض دارد؟! آیا عیسی مسیح گفته است از علم و نظریات تأیید شده علمی دوری کنید؟! در کجای کتاب مقدس تصریح شده که تکامل انواع وجود ندارد و معتقد بدان از ایمان مسیح بیرون است؟! در حالیکه تعداد بسیار زیادی افراد مسیحی هستند که نظریه تأیید شده تکامل را قبول دارند. او نمی تواند به خاطر برداشت اشتباهش از متون دینی و نظریات علمی، قبول داشتن نظریه تکامل و ایمان به مسیح را روبروی یکدیگر قرار دهد.

¹ <https://www.almahdyoon.co/doa.html#p=119>

در حالیکه در جایی دیگر ادوین صالح گفته است:

آیاتی در کتاب مقدس به این صورت نوشته نشده است که تکامل رد شده است.^۱

امیدواریم وقتی از ادوین صالح سوالاتی علمی پرسیده می شود پاسخی علمی بدهند و اگر هم علم به آن موضوع را ندارند سکوت کنند و بگویند نمی دانم.

آیا طبق نظریه تکامل میمون ها جد ما می باشند؟!

ادوین صالح در این موضوع می گوید:

هیچ دلیلی وجود ندارد که جهش هایی شده که میمون تبدیل به انسان شده است.^۲

من شخصا می خوام جد بزرگم آدم و حوا باشند نمی خوام که جد یک میمون باشد.^۳

شما اگر می خواهید باور داشته باشید که جد بزرگ شما یک میمونی بوده یا یک حیوان دیگری بوده ، این به شما بستگی دارد.^۴

امروز ما می دانیم بدون هیچ شکی خدا خالق تمام هستی است و انسان از میمون ها نیامده.^۵

شما چطور می توانید یک مسیحی باشید و به خدای حقیقی ایمان داشته باشید و بعد ایمان داشته باشید که من و شما از میمون آمدیم.^۶

^۱ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/5418>
audio_2018-03-11_00-18-52

^۲ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/10507>
audio_2018-03-11_01-13-56

^۳ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/12041>
audio_2018-03-11_01-41-05

^۴ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/21019>
audio_2018-03-10_23-32-24

^۵ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/9371>
audio_2018-03-10_23-48-32

^۶ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/23664>
audio_2018-03-11_01-00-17

پاسخ: همانطور که در قبل هم توضیح داده شد طبق نظریه تکامل، ما تکامل یافته میمون ها نیستیم و به عبارتی میمون ها، اجداد ما نیستند بلکه ما با میمون های نیای مشترک داریم. ولی با این وجود همانطور که در بالا مشاهده نمودید ادوین صالح برای تحریک احساسات مخاطبین خود بارها این برداشت اشتباه خود را به نظریه تکامل نسبت داده و آن را تکرار می کند و می گوید نمی خواهیم جدم یک میمون باشد.

در حالیکه طبق نظریه تکامل جد ما میمون ها نیستند. و نیز با گفتن نمی خواهیم، چیزی در جهان عوض نمی شود و ادوین صالح باید یاد بگیرد برای ادعاهای خود دلیل ارائه نماید، خواستن، دوست داشتن و ... واقعیت ها را عوض نمی کنند و منطقیست ما به جهان، همانگونه که هست بنگریم نه آنگونه که دوست داریم و حقیقت را به همان صورتی که وجود دارد بپذیریم.

آیا خلقت دفعی موجودات زنده در دوره های مختلف ممکن و محتمل است؟!!!

به سوال و پرسش زیر توجه نمائید:

سوال: برادر من زمانی بیخدا و آتئیست و کاملاً فرگشت گرا بودم و پارسال خداوند رو زنده ملاقات کردم و الان یکساله که در خداوند و نجات دهنده عیسی مسیح در حال رشد و بنا هستم و فقط میخوام نظر شمارو در این باره بدونم من غلط بکنم به این فیضی که شامل حالم شده پشت کنم.^۱

پاسخ ادوین صالح: این افکاری که از گذشته داشتید این ها را باید از خداوند بخواهید که از فکرتون پاک کند ما هیچ کدام پدیده تکامل نیستیم خداوند هر رده از جانوران را در زمان های خودش به طور مخصوص و منحصر به فرد خودش خلق کرد و من کتاب های خیلی زیادی را دارم به زبان انگلیسی که دانشمندان معتبر ژنتیک، انسان شناسی، فیزیولوژی و دانشمندان دیگری که در استدلال هایی که خلقت رو نشون می ده نوشتن این کتاب ها را. متأسفانه به فارسی نداریم اگر می توانید به انگلیسی بخوانید می توانم به شما معرفی بکنم و حتی سایت های یوتیوبی را.^۲

^۱ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/21020>

^۲ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/21021>
audio_2018-03-10_23-41-40

پاسخ: جالب است پرسشگر از واژه «غلط بکنم» استفاده کرده است و این نشان دهنده خفقانی است که همچنان در جامعه مسیحیت (در عصر جدید) وجود دارد و افراد نمی توانند پرسش های خود را آزادانه بپرسند!! و ترس از برچسب هایی که علمای مسیحی به آن ها می زنند دارند!!

و در پاسخ، ادوین صالح ادعا می کند ما هیچ کدام پدیده تکامل نیستیم!! و برای ادعای خود دلیلی ارائه نمی کند و می گوید من کتاب های زیادی به زبان انگلیسی دارم!!

و در ادامه می گوید «استدلال هایی که خلقت رو نشون می ده» و حال آیا تکامل حیات، روش خلقت خدا حساب نمی شود؟! چه الزامی وجود دارد که خداوند یکباره در هر دوره موجودات مختلف را از عدم بیافریند؟! چرا خداوند نباید طی تکامل تنوع حیات زمینی را بوجود بیاورد؟!

اما می پردازیم به این نطق ادوین صالح که می گوید «هر رده از جانوران را در زمان های خودشون به طور مخصوص و منحصر به فرد خودشون خلق کرد»!!!

آیا پذیرفتن تکامل حیات علمی و معقول می باشد یا پذیرفتن داستان خلقت ناگهانی و دفعی موجودات مختلف در زمان های مختلف؟! مثلاً فرض کنید یک دایناسور ناگهان از عدم بوجود بیاید!!! یا جسم پیچیده یک انسان ناگهان از گل بوجود بیاید!!!

به عبارتی برای سیر حیات از گذشته تا کنون دو حالت را می توانیم در نظر بگیریم:

۱- حیات از یک همانند ساز اولیه شروع شده و در طول ۴ میلیارد سال تطور و فرگشت یافته است. (نظر تأیید شده علمی دانشمندان و عقلا)

۲- در هر دوره تعداد بسیار زیادی معجزه قاهره اتفاق افتاده است و موجودات زنده مختلف از مواد شیمیایی بی جان، به صورت دفعتاً بوجود آمده اند!!! (نظر علمای ادیان و اتباعشان)

برای درک بهتر غیرممکن بودن داستان تخیلی ادوین صالح، مطالبی از کتاب توهّم بی خدایی تالیف احمد الحسن و کتاب ساعت ساز نابینای ریچارد داوکینز را نقل می کنیم.

پروفسور ریچارد داوکینز می نویسد:

هر مولکول هموگلوبین از چهار رشته به هم پیچیده اسیدهای آمینه ساخته شده است بیایید نگاهی به یکی از این چهار رشته داشته باشیم. این رشته شامل ۱۴۶ اسید آمینه

است. در جانداران معمولاً ۲۰ نوع اسید آمینه مختلف وجود دارد. تعداد ترتیب های ممکن برای قرار گرفتن این ۲۰ نوع اسید آمینه در رشته ای که ۱۴۶ حلقه دارد بسیار زیاد است و آیزاک آسیموف آن را عدد هموگلوبین می نامد. محاسبه تعداد حالات ممکن کار مشکلی نیست ولی پیش بینی این که جواب چیست غیر ممکن است. اولین حلقه این رشته ۱۴۶ حلقه ای ممکن است هر یک از آن ها، ۲۰ نوع اسید آمینه باشد و حلقه دوم هم ممکن است هر یک از آن ها باشد. بنابراین تعداد حالت های ممکن برای دو حلقه 20×20 و تعداد حالات ممکن برای سه حلقه $20 \times 20 \times 20$ یا ۸۰۰۰ است. تعداد حالات ممکن برای ۱۴۶ حلقه برابر است با ۲۰ به توان ۱۴۶ که عدد فوق العاده بزرگیست، یک میلیون یک است با شش تا صفر. یعنی احتمال تصادفی ساخته شدن هموگلوبین که جزء بسیار کوچکی از پیچیدگی های یک جاندار را تشکیل می دهد. معلوم است که غربال کردن ساده نمی تواند جوابگوی آن همه نظم در جاندار باشد، غربال کردن لازم است ولی همه داستان نیست چیز دیگری لازم است. برای توضیح این نکته، لازم است بین انتخاب تک مرحله ای و انتخاب انباشتی (تراکمی) تمایز قایل شویم... جانداران حاصل انتخاب انباشتی (تراکمی) هستند.^۱

همانطور که می بینید بوجود آمدن یک هموگلوبین به صورت تصادفی و با انتخاب تک مرحله ای و دفعتاً در طول بازه زمانی حیات زمینی غیرممکن می باشد.

و سید احمدالحسن در این موضوع می نویسند:

مثالی برای توضیح بیشتر: مولکول هموگلوبین را در نظر می گیریم. هر مولکول از چهار رشته ی به هم پیچیده ساخته شده که هر رشته از ۱۴۶ اسید آمینه تشکیل یافته است. ۲۰ نوع اسید آمینه ی مختلف نیز وجود دارد. بنابراین احتمال ترکیب و تشکیل فقط یک رشته بر اساس شیوه ی مطلوب و مورد نظر - بدون اینکه از نقشه ی درست باخبر باشید - برابر است با 20^{146} یا 20^{146} . این عدد بسیار بزرگ و سرسام آور است ($10^{189} \times 8/92$) یعنی تقریباً یک با ۱۹۰ صفر جلوی آن. در نتیجه احتمال اینکه این فرآیند به این صورت، از طریق تکامل پدیدار شده باشد، غیرممکن است، زیرا به زمانی طولانی تر از نه فقط عمر زمین که تقریباً

^۱ ریچارد داوکینز، ساعت ساز نابینا، ص ۸۵ - ۸۶

۴/۶ میلیارد سال است، بلکه بیشتر از عمر همه ی هستی که تقریباً ۱۳/۷ میلیارد سال است نیاز دارد. اگر فرض کنیم زمان مورد نیاز برای تکامل، یک میلیارد سال باشد، تعداد رویدادها در هر سال عددی برابر خواهد بود با ۱ و تقریباً ۱۸۱ صفر جلوی آن؛ و این یعنی $10^{172} \times 3/179$ رویداد در هر ثانیه؛ یعنی ۱ و پس از آن ۱۷۲ صفر احتمال در هر ثانیه طی یک میلیارد سال، اینها همه برای به دست آوردن تعداد فرآیندهایی است که می تواند راه حل درست تشکیل شدن فقط یک رشته در هموگلوبین باشد. مسلماً چنین چیزی امکان پذیر نمی باشد و تحقق آن در دوره های زندگی ما امکان پذیر نیست!

آنچه گذشت از تکامل با یک گام صحبت می کند. در طبیعت چنین چیزی وجود ندارد، بلکه آنچه یافت می شود، تکامل با گام های انباشتی است که در آن، هر مرحله از مرحله ی پیشین خود بهره می برد و فرآیند هر بار از صفر شروع نمیگردد. این به آن معنا است که ارقام و اعداد پیش گفته شده، به اعدادی معقول که امکان محقق شدن را دارا میباشند، تبدیل خواهند شد..^۱

امروزه با محاسبات دقیق می دانیم که بوجود آمدن یکباره و تصادفی هموگلوبین غیرمحمتمل می باشد چه برسد به اینکه مثلاً حدوداً در ۲۰۰ میلیون سال پیش یکدفعه دایناسورها از مواد شیمیایی بی جان، تصادفی بوجود بیایند!! و همینطور در هر دوره، ناگهان موجوداتی با همان شکل و ساختار خودشان به صورت دفعی خلق شوند!!

پس در نتیجه برای هر انسان عاقلی، تنها یک برداشت صحیح از مشاهده سنگواره ها بوجود می آید، که آن هم تکامل حیات با انتخاب طبیعی انباشتی هدفدار^۲ می باشد.

سید احمدالحسن می نویسند:

زمین شناسی تاریخی به طور قطعی ثابت کرده است که حیوانات و نباتات در فواصل زمانی متوالی رو به تکامل نهاده اند. در ابتدا باکتری به وجود آمد، سپس با گذشت زمانی طولانی

^۱ سید احمد الحسن، کتاب توهم بی خدایی، ص ۱۱۰ - ۱۱۱

<https://www.almahdyoon.co/doa.html#p=110>

^۲ جهت کسب اطلاعات بیشتر مقاله " اثبات هدفمندی تکامل با انتخاب طبیعی انباشتی " را مطالعه نمایید.

<https://t.me/tavahomelhad/1607>

<https://goo.gl/xfq6nn>

سلول های یوکاریوت (سلول دارای هسته ی حقیقی) پدیدار شد و به دنبال آن موجودات چند سلولی پا به عرصه ی وجود نهاد، و به این ترتیب حیات آرام آرام رو به تکامل گذاشت.

اگر آفرینش به صورت دفعی و یک باره صورت گرفته، و هدف خدا آفرینش انسان، محیط و موجودات پیرامون او بوده باشد، و اگر انسان در زمانی بسیار نزدیک در مقایسه با تاریخ زمین شناسی به وجود آمده باشد، چرا خدا دسته های اولیه را با نظم و ترتیب آفریده به گونه ای که هر دسته ی جدید، مشابه دسته ی قبلی ولی تکامل یافته تر و تطابق یافته تر از آن می باشد؟! آیا مثلاً به این دلیل خدا آنها را طی دوره های زمانی و تکاملی آفرید، چون قصد فریب انسان را دارد و می خواهد هنگامی که او فرآیند آفرینش را در لایه های زمین به گونه ای منظم و مرتب بوده و به تدریج رو به تکامل و پیشرفت مینهد، میبیند به تکامل معتقد گردد؟! مسلماً چنین نیست! خدا میخواهد انسان حقیقت را همان گونه که هست بشناسد، و می خواهد آدمی به خدا و خلقت همان گونه که خدا آن را پدید آورده است، ایمان بیاورد. تنها پاسخ قانع کننده، منطقی و قابل قبول که با مراجعه به زمین شناسی تاریخی به آن می رسیم، این است که: زندگی به گونه ای ساده آغاز شد، سپس به تدریج تکامل و ارتقا یافت.

اگر معتقدان به آفرینش دفعی جواب منطقی و قانع کننده ای دارند که از ارزش علمی برخوردار است و پژوهش های ژنتیکی، کالبدشناسی تطبیقی و زنجیره ی جانداران موجود و غیره آن را تأیید می کند، به ما ارائه نمایند.

این افراد یا چون نظریه ی تکامل را دوست نمی دارند، آن را رد می کنند و یا اقدام آنها به این دلیل است که برخی از ملحدان از این نظریه برای انکار وجود خدای سبحان بهره برداری میکنند و این عده نیز از پاسخگویی به آنها ناتوانند؛ بنابراین به عناد و لجajt و رد نظریه ی تکامل روی می آورند؛ علی رغم دلایلی که برای درستی آن ارایه می شود. همچنین اشکالات علمی فراوانی برای ایده ی آفرینش دفعی، با وجود دلالت متون دینی بر تکامل وجود دارد. این، بی انصافی و لجajتی کورکورانه است.^۱

^۱ سید احمدالحسن، کتاب توهّم بی خدایی، ص ۱۰۷ - ۱۱۰

ادوین صالح بهتر است به جای اینکه به پرسشگر بگوید برو از خداوند بخواه که فکرها را پاک کند، خود او نیز حداقل لحظه ای به عقایدش و گفته هایش در مورد تکامل نیز فکر کند.

این یک واقعیت مسلم است که موجودات در طی تاریخ حیات روی زمین، تغییر یا تکامل یافته اند. و زیست شناسان مکانیسم هایی که می توانند عمده الگوهای این تغییر را توضیح دهند، شناسایی و مورد بررسی قرار داده اند.¹

در مقابل، توضیحی که ارگانیسم ها با تغییراتی از اجداد مشترک به دنیا آمده اند - واقعیت تاریخی تکامل - یک نظریه نیست. این یک واقعیت است، همان طور که چرخش زمین در اطراف خورشید یک واقعیت است. همانند منظومه شمسی دوار به دور خورشید، تکامل به عنوان یک فرضیه آغاز شد و واقعیت را بعنوان شاهی به نفع خود بدست آورد، و چنان قوی بود که هیچ فرد آگاه و بی طرف نمی تواند واقعیت آن را انکار کند. امروزه هیچ زیست شناسی نمیتواند مقاله ای تحت عنوان "شواهد جدید برای تکامل" را ارائه دهد؛ و واقعا به مدت یک قرن است که این موضوع مطرح نشده است.²

برداشت های غلط ادوین صالح از متد علمی و کاربرد قوانین و نظریه ها

به پرسش و پاسخ زیر توجه نمائید:

سوال: ببخشید شما گفتید تکامل یه فرضیه است ولی تو علم الان اثبات شده و تقریبا اکثر دانشمندان طبق آمار ها به تکامل معتقد هستند و در چندین ایالت آمریکا تدریس میشه، مدارک و شواهد فسیلی زیادی برای نظریه تکامل موجوده، با این اوصاف چطور هنوز یه فرضیه است؟³

پاسخ ادوین صالح: اشتباه صد در صد شماست در علم ثابت نشده دوست عزیز، لطف کنید برید یکبار دیگه کتاب های علمی رو بخونید می بینید که در آنجا نگفته قانون تکامل، فرضیه تکامل است نظریه است. ما قوانینی که در علم داریم ثابت شده اند نمونه

¹ <http://www.actionbioscience.org/evolution/lenski.html>

² Douglas J. Futuyma, Evolutionary Biology, 2nd ed., 1986, Sinauer Associates, p. 15
<http://www.talkorigins.org/faqs/evolution-fact.html>

³ <https://t.me/arshivporseshvapasoKh/9370>

اش جاذبه است، قانون اول و دوم و سوم ترمودینامیک هست شما هرگز نمی توانید این قوانین را مقایسه کنید با تئوری و فرضیه تکامل، و بگوئید تکامل اثبات شده.^۱

به پرسش و پاسخ زیر نیز توجه نمائید:

سوال: آیا کلیسا نظریه داروین رو پذیرفته؟^۲

پاسخ: خیر، نظریه داروین را نه تنها کلیسا نپذیرفته، امروز بسیاری از دانشمندان هم حتی قبول ندارند که داروین نظریه اش درست بود. و خدا را شکر که اسمش هست نظریه، قانون علمی نیست. امروز جاذبه یک قانون است ترمودینامیک قانونه ثابت شده. در آزمایشگاه قابل مشاهده و تکرار است.^۳

پاسخ: طبق این گفته ادوین صالح «در آنجا نگفته قانون تکامل، فرضیه تکامل است نظریه است» مشخص می شود که در اینجا نیز باید کمی در مورد قانون علمی برای او توضیح دهیم که اساسا قانون با نظریه متفاوت است و نظریه تبدیل به قانون نمی شود.

قوانین به ما می آموزند که چه رخ می دهد یعنی قانون علمی، طبق اصل علیت، بیان می کند که بین علت و معلول رابطه ای ضروری وجود دارد، و در صورت وقوع پدیده ای (علت)، پدیده دیگر (معلول) نیز بوجود خواهد آمد، ولی نظریه ها به ما می آموزند که چرا یک پدیده رخ می دهد.

قانون علمی را می توان چیزی در نظر گرفت که همیشه رخ می دهد. اما توضیح نمی دهد چرا رخ می دهد، فقط می گوید رخ می دهد. برای مثال، اشیاء همیشه به سمت زمین سقوط می کنند. این ها آن قدر مشاهده شده اند که اصل های پایه ای را می سازند که با آن ها کار می کنیم.

فرق مهمی که بین قانون و نظریه وجود دارد، این است که قانون صرفا وقوع پدیده ای را بیان میدارد (توصیف می کند) ؛ اما نظریه چرایی و چگونگی وقوع پدیده را تبیین میکند (توضیح می دهد).

¹ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/9371>
audio_2018-03-10_23-48-32

² <https://t.me/arshivporseshvapasokh/7580>

³ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/7581>
audio_2018-03-11_00-50-21

پس اساساً نقش نظریه با قانون در روش علمی متفاوت است و نمی توانند به یکدیگر ارتقا یا تبدیل شوند زیرا قانون صرفاً توصیف کننده فکت ها می باشد (معمولاً با معادلات ریاضی) ولی نظریه توضیح دهنده و تفسیر کننده علت و چگونگی وقوع فکت ها است.

در واقع نظریه ها و قوانین بخش های مجزایی از روش علمی هستند، و هرگز به چیز دیگری ارتقا پیدا نمی کنند.

برخی معتقدند نظریه ها به قوانین تبدیل می شوند، اما نظریه ها و قوانین نقش متفاوت در روش علمی دارند. یک قانون توصیفی از یک پدیده مشاهده شده در طبیعت است که هر بار آزمایش می شود درستی آن ثابت میشود. قانون توضیح نمی دهد که چرا چیزی درست است؛ بلکه فقط می گوید که این درست است. از سوی دیگر، نظریه مشاهداتی را که در جریان پروسه علمی جمع آوری می شود، توضیح می دهد. بنابراین، در حالی که قانون و نظریه، هر دو بخشی از فرآیند علمی هستند، به نظر انجمن ملی اساتید علوم، دو جنبه ی کاملاً متفاوت با یکدیگر دارند.¹

قانون در علم چیست؟

به طور کلی یک قانون علمی، توصیفی از یک پدیده مشاهده شده است که توضیح نمی دهد چرا یک پدیده وجود دارد یا چه چیزی باعث آن می شود. توضیح یک پدیده، نظریه علمی نامیده می شود. این تصور غلطی است که نظریه ها با تحقیق کافی به قوانین تبدیل می شوند. پیتز کاپینگر استاد دانشکده زیست شناسی و مهندسی پزشکی می گوید: در علم، قوانین نقاط شروع هستند. دانشمندان از آن جا می توانند بپرسند که چرا و چگونه؟

کاپینگر به لایو ساینس گفت: چهار مفهوم اصلی در علم وجود دارد.

فکت ها، فرضیه ها، قوانین و نظریه ها. اگرچه قوانین و نظریه های علمی با حجم وسیعی از داده های تجربی پشتیبانی می شوند، که توسط اکثریت دانشمندان در آن زمینه مطالعاتی علمی پذیرفته شده اند، اما یک چیز نیستند. کاپینگر گفت قوانین، توضیحات و

¹ <https://www.livescience.com/21457-what-is-a-law-in-science-definition-of-scientific-law.html>

اغلب توصیف های ریاضی پدیده های طبیعی هستند. به عنوان مثال قانون گرانش نیوتن یا قوانین مستقل مندل. این قوانین، مشاهدات را به سادگی توصیف می کنند. نه این که چرا و چگونه کار می کنند. تفاوت بین تعریف قوانین علمی و فکت های علمی کمی دشوارتر است، هرچند مهم می باشد. فکت ها، ساده هستند. مشاهدات پایه ای که درستی آن ها نشان داده شده است. قوانین، مشاهدات را پیرامون ارتباط دو یا چند چیز در جهان طبیعت عمومی می کنند. طبق گفته ناسا قانون می تواند بر پایه فکت ها و فرضیه های آزمایش شده باشد.

به عنوان مثال، "در حیاط من پنج درخت وجود دارد" یک فکت در نظر گرفته می شود، زیرا این یک توضیح ساده است که می تواند اثبات شود. "سیب از درخت در حیاط من، سقوط می کند و بالا نمی رود" یک قانون است، زیرا توصیف می کند که دو چیز در شرایط خاص چگونه در طبیعت رفتار می کنند. اگر شرایط تغییر کند، قانون تغییر خواهد کرد. به عنوان مثال، در شرایط خلاء، سیب ممکن است از درخت به جای پایین، به بالا حرکت کند.¹

در نتیجه یک نظریه هرگز به یک قانون تبدیل نمی شود و این درک اشتباه، از تعریف نظریه و قانون است.

کلمه قانون اغلب به بخش ریاضی یک نظریه علمی اشاره دارد که با یک معادله خاص ریاضی اجزا متفاوت نظریه را با یکدیگر ارتباط می دهد.

به عنوان مثال قانون پاسکال به معادله ای اشاره دارد که تغییر در فشار بر اساس ارتفاع را توضیح می دهد و یا قانون گرانش، معادله ای است ریاضی که در نظریه گرانش آیزاک نیوتن، نیروی جاذبه گرانشی بین دو شی را محاسبه می کند.

¹ <https://www.livescience.com/21457-what-is-a-law-in-science-definition-of-scientific-law.html>

این روزها فیزیکدانان به ندرت از کلمهٔ قانون در توضیح ایده هایشان استفاده می کنند بخشی به این دلیل که بسیاری از قوانین طبیعت در گذشته مشخص شد که در واقع قانون نبوده اند و تنها برای شرایط خاصی برقرار بوده و در شرایط دیگر کاربردی نداشتند.^۱

قوانین و ریاضیات

بسیاری از قوانین علمی را می توان به معادله ریاضی تبدیل کرد. به عنوان مثال، قانون گرانش جهانی نیوتن می گوید:

$$F_g = G (m_1 \cdot m_2) / d^2$$

آیا قوانین تغییر می کنند؟

فقط به این دلیل که یک ایده یک قانون است، به این معنا نیست که از طریق تحقیقات علمی در آینده نمی تواند تغییر یابد. استفاده از کلمه "قانون" توسط ناپلئون و دانشمندان متفاوت است. هنگامی که اکثر مردم درباره یک قانون صحبت می کنند، به معنی چیزی است که مطلق است. قانون علمی بسیار انعطاف پذیر است. با توجه به تعریف دانشگاه کالیفرنیا، یک قانون علمی می تواند موارد استثنا داشته باشد، به طور کلی رد شود یا در طول زمان تکمیل شود.

کاپینگر می گوید: «یک دانشمند خوب کسی است که همیشه این سوال را مطرح می کند " چگونه می توانم نشان بدهم که اشتباه کرده ام؟ » او می گوید: در مواردی مثل قانون جاذبه یا قانون جورشدن مستقل ژن ها، آزمون های پی در پی باعث "پیچ خوردن" این قوانین شدند. موارد استثناء پیدا شدند. به عنوان مثال، قانون گرانش نیوتن در سطح کوانتومی (زیر-اتمی) فرو می ریزد. قانون جورشدن مستقل ژن های مندل، برای مواردی که صفات روی یک کروموزوم پیوند خورده اند، درست کار نمی کند.^۲

¹ <https://www.thoughtco.com/hypothesis-model-theory-and-law-2699066>

فرضیه، مدل، نظریه و قانون در علم - <http://bigbangpage.com/science-content/>

² <https://www.livescience.com/21457-what-is-a-law-in-science-definition-of-scientific-law.html>

در نتیجه آنطور که ادوین صالح می پندارد هیچ وقت نظریه تکامل حیات تبدیل به قانون نمی شود بلکه روز به روز این توضیحات کامل تر و جامع تر می شوند و نیز اینگونه نیست که قوانین اثبات شده باشند بلکه آنها نیز مانند نظریات تأیید می شوند و می توانند تصحیح یا رد شوند. (هر چند که احتمال رد شدن نظریات و قوانین تأیید شده بسیار کم می باشد)

و این جمله ادوین صالح که می گوید «و خدا را شکر که اسمش هست نظریه، قانون علمی نیست» هم فکر نمی کنیم به توضیحی نیاز داشته باشد و صرفاً دلالت بر جهل ایشان نسبت به متد علمی دارد او فکر می کند مثلاً تصادفی به تکامل گفته اند نظریه!!! و از این رو خدا رو شکر می کند که به آن قانون نگفتند!!! در حالیکه نظریه و قانون تعاریف خاص خود را دارند و دانشمندان روی معیارهای مشخص این عنوان ها را به توضیحات و توصیفات علمی نسبت می دهند.

و ادوین صالح فکر می کند فقط قوانین در علم جایگاه دارند!!! در حالیکه "نظریه" بالاترین میزان اطمینانی هست که ما میتوانیم نسبت به یک توضیح داشته باشیم و اساساً قوانین توضیح دهنده علت فکت ها و مشاهدات ما نیستند.

طبق این پندار باطل ادوین صالح، نظریه مهبانگ، نظریه نسبیت عام و خاص، نظریه صفحات تکتونیک، نظریه خورشید مرکزی، نظریه سلولی و ... همه فاقد ارزش هستند زیرا قانون نیستند و اساساً هیچ توضیح علمی از نظر ادوین صالح علمی نیست و فقط فرمول های قوانین آن هم اگر خلاف باورهای او نباشند علم خواهند بود!!!

ادوین صالح باید بداند اصطلاح قانون را هنگامی به کار می بریم که اعتبار آن در گستره ی بزرگی از موارد آزموده، و محدودیت های اعتباری آن به روشنی درک شده باشد. با این حال وقتی که اطلاعات جدیدی به دست بیاید، ممکن است بعضی از قوانین اصلاح یا کنار گذاشته شوند. زیرا قوانین علمی با قوانین سیاسی تفاوت دارند. قوانین سیاسی تجویزی هستند و چگونگی رفتار ما را تعیین می کنند، در حالی که قوانین علمی توصیفی اند. و قوانین علمی، رفتار طبیعت را آن طور که هست، توصیف می کنند نه آنطور که باید باشد. در نتیجه قانون و نظریه هر دو ابطال پذیر می باشند. (هر چند که با مشاهدات و آزمایشات بسیار زیادی، تأیید شده می باشند) ولی نمی توان گفت که یک قانون به طور مطلق صحیح است.

آیا تکامل کلان وجود ندارد؟؟

ادوین صالح در این مورد می گویند:

تکامل فقط بخشی از مسائلی در مشاهدات آزمایشگاهی ثابت شده و آن هم تکامل از یک رده به یک رده نیست بلکه تکامل در خود رده ها است ولی خود تکامل از یک رده به یک رده وجود ندارد و هیچ وقت ثابت نشده. لطفا این را توجه داشته باشید...

هیچ کس نه تکامل را دیده و نه اثبات تکامل را دارد و نه شواهد و مدارک تکامل را دارد. تکامل یک عالمه داخلش سوراخ ها و حفره های پر نشده دارد یعنی شما هیچ جایی نمی توانید تکامل را کامل به ما نشان دهید^۱

بله تکامل در رده ها و سطح هایی وجود دارد ولی آن تکاملی که شما فکر می کنید از تک یاخته به پریاخته به موجودات رده پائین و بالاخره به انسان هیچ اثباتی برای آن وجود ندارد.^۲

پاسخ: مطالب فوق نیز به خاطر جهل ایشان نسبت به متد علمی می باشد و ایشان تا وقتی چیزی را با چشمان خود نبینند نمی پذیرد اما آیا او عقل را دیده است؟ گرانش را چطور؟^۳

کارکرد اولیه و اصلی علم نشان دادن وجود پدیده هایی است که به صورت مستقیم قابل مشاهده نیستند. نیاز به این نیست که علم چیزهایی را که با چشم خود می توانیم آنها را ببینیم برای ما نشان دهد.

مشاهده مستقیم نه تنها در علم لازم نیست بلکه در خیلی از موارد مشاهده مستقیم غیر ممکن است. برای مثال خیلی از کشفیات مهم علم از مشاهدات غیر مستقیم استنتاج شده اند... هیچ کس تاکنون به طور مستقیم الکترون را مشاهده نکرده است، هم جوشی

^۱ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/9371>
audio_2018-03-10_23-48-32

^۲ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/5402>
audio_2018-03-11_00-41-29

^۳ برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این موضوع مقاله "عدم مشاهده چیزی، نفی کننده وجود آن نیست" را مطالعه نمایید:

داخل ستاره ها، امواج رادیویی، آنتروپی، یا گردش زمین به دور خورشید، همه اینها واقعیت علمی هستند.^۱

همچنین NAS، واقعیت (فکت) را به عنوان مشاهده ای تعریف میکند که بارها مورد تایید قرار گرفته باشد و برای همه اهداف عملی بعنوان روش صحیح و مورد پذیرش باشد. ثبت فسیل و سایر شواهد نشان میدهد که موجودات در طول زمان تکامل یافته اند. گرچه هیچکس این تحولات را مشاهده نکرده است. شواهد غیرمستقیم بدون ابهام و قانع کننده ای دال بر صحت آن وجود دارد.

همه علوم اغلب بر شواهد غیرمستقیم متکی هستند. فیزیکدانها نمی توانند بصورت مستقیم ذرات ریز اتمی را ببینند. بنابراین موجودیت این ذرات را از طریق مشاهده مسیرهای مشخص ذرات خارج شده از اتاقک ابر (cloud chambers) تایید میکنند. فقدان مشاهدات مستقیم بر قطعیت نتیجه گیریهای فیزیکدانان اثر منفی ندارد.^۲

که در این زمینه ابراهیم ویکتوری^۳ نویسنده کتاب شگفتی های جهان می گوید:

حقیقت علمی یعنی آن چیزی که وجود دارد و ما می توانیم یا آن را ببینیم یا اینکه لمسش کنیم و یا اینکه مهم تر از آنها، اثرش را ببینیم.

ممکن است چیزی وجود دارد ولی با یک صورتی است که ما نمی توانیم ببینیم مثلا ماده نیست که ما بتوانیم ببینیم و یا نمی تواند نوری را از خودش ساطع یا منعکس کند...

از نظر علمی هیچ چیزی وجود ندارد مگر اینکه دیده یا لمس شود یا اینکه اثرش را ببینیم که بهترین مثال اثر، جاذبه است مانند راه رفتن بر روی زمین که اثری برای جاذبه است.^۴

^۱ <http://www.talkorigins.org/faqs/comdesc/sciproof.html>

^۲ <https://www.scientificamerican.com/article/15-answers-to-creationist/>

^۳ پژوهشگر فضایی، نویسنده و برنامه ساز تلویزیونی است و عضو انجمن موشکی آمریکا، جامعه فیزیک آمریکا، جامعه فضانوردی آمریکا و انجمن سیگما سای بوده است.

https://en.wikipedia.org/wiki/Ebrahim_Victory

^۴ <https://www.youtube.com/watch?v=TgpbKimpRds>

اما به طور کلی در علم برای اثبات یک واقعیت (فکت) دو راه داریم:

۱- روش اول این است که آن را از طریق دیدن کشف کرده و پی به وجودش ببریم مثلاً ما با دیدن یک سیب پی به وجود آن می‌بریم و... به طور کلی با حواس خودمان می‌توانیم پی به وجود چیزها و واقعیت‌های اطرافمان ببریم.

۲- روش دوم این است که برخی چیزها را مستقیم نمی‌توانیم پی به وجودشان ببریم زیرا قابل مشاهده نیستند ولی ما اثرات آن‌ها را مشاهده می‌کنیم و از طریق این اثرات است که پی به وجودشان می‌بریم.

پس اینکه ادوین صالح تبدیل شدن ماهیان به دوزیستان و ... را ندیده است دلیلی بر رد واقعیت تطور حیات نمی‌باشد و ایشان باید فهم علمی خود را ارتقا دهند و دروس مربوطه دانشگاهی را بیاموزد و به بررسی آثار تکامل حیات بپردازد.

و اگر او دلالت آثار بر موثر را قبول ندارد پس عقل، گرانس، ذرات بنیادی و حتی وجود خدا را نیز باید انکار کند زیرا تمام این موارد از طریق آثار شناخته می‌شوند (صفت اثر دلالت بر صفت موثر دارد) و اساساً با این پندار اشتباه ادوین صالح بسیاری از واقعیت‌های علمی فاقد اعتبار می‌شوند.

پس او با این مغالطه که تکامل کلان را ندیده است، نمی‌تواند اعتبار شواهد علمی نظیر شواهد ژنتیکی، کالبد شناسی تطبیقی و همچنین سنگواره‌های موجود و ... (آثار تکامل کلان) را زیر سوال ببرد و فاقد ارزش بداند.

و همین جمله او یعنی «بله تکامل در رده‌ها و سطح‌هایی وجود دارد» اثبات‌کننده تکامل کلان می‌باشد یعنی وقتی تکامل خرد وجود دارد قطعاً از انباشته شدن این تغییرات خرد طی میلیون‌ها سال تکامل کلان رخ می‌دهد.^۱

در اثر جهش‌های ژنی دگرگونی و تمایز در جمعیت جانداران ایجاد می‌شود و این دگرگونی‌های سازگار با محیط، توسط انتخاب طبیعی تثبیت شده و از طریق تولید مثل (وراثت) به نسل‌های بعدی منتقل می‌شوند که با انباشت این دگرگونی‌ها در برهه‌های زمانی محدود با تکامل خرد

^۱ جهت کسب اطلاعات بیشتر مقالات "تکامل یک واقعیت علمی است" و "تکامل خرد، منجر به تکامل کلان می‌شود" را مطالعه نمایید:

مواجه می شویم و انباشت آنها در طی زمان های طولانی (هزاران سال تا میلیون ها سال) منجر به تکامل کلان و بروز صفات جدید و ویژه در جانداران می شود تا جایی که باعث گونه زایی می شود.

به عبارتی حیات همواره در حال تطور بوده، هست و خواهد بود زیرا هر نسل از جانداران نسبت به نسل قبلی دچار تغییر می شوند. و فرزندان کپی برابر اصل والدین خود نیستند. و تا وقتی این تفاوت ها و تمایز ها وجود داشته باشد انتخاب طبیعی کار خود را ادامه خواهد داد و در نتیجه تکامل نیز ادامه می یابد و فردی می تواند ادعا کند تکامل کلان وجود ندارد که اثبات کند تغییرات خرد و (نوترکیبی) وجود ندارند!! پس به عبارتی تا وقتی جهش های ژنتیکی، انتخاب طبیعی و وراثت وجود دارد تکامل خرد و کلان نیز وجود خواهد داشت. در نتیجه وقتی تکامل خرد تأیید شود، هیچ مانعی وجود نخواهد داشت که تکامل کلان را نپذیریم.

که در این زمینه احمدالحسن در پاسخ به یکی از مراجع شیعه (شیرازی) این موضوع را توضیح می دهند:

شیرازی بدون اینکه خودش متوجه باشد، تکامل را تأیید نموده ولی آن را به حد و مرز تیره ها - مانند تیره ی خرس ها - محدود کرده است. ولی هنگامی که بحث تکامل به طبقات بالاتر می رسد، آن را رد می کند. به همین دلیل اینجا است که وی باید برای توقف تکامل در مرز دگرگونی تیره ها دلیل بیاورد و بگوید که چرا این تکامل به مرحله ی بالاتر (جدا شدن تیره ها) نمی رسد، در حالی که رسیدن به این مرحله با گذشت زمان اجتناب ناپذیر است؛ چرا که این مرحله حاصل زیاد شدن دگرگونی در طول زمان می باشد. ما می گوئیم جهش ژنها قطعاً به دگرگونی منجر می شود و اگر در کنار جهش ژنتیکی و انتخاب طبیعی، تولید مثل نیز وجود داشته باشد، مجموع اینها به بروز صفات جدید و ویژه برای موجود زنده از قبیل تغییر در اندازه، شکل، نوع موها و پنجه ها و ... منجر میگردد؛ و با گذشت زمان و با تجمع تغییرات، این تفاوتها بیشتر و بیشتر خواهد شد.

شیرازی و همفکران او همه ی اینها را فقط در یک تیره قبول دارند؛ یعنی با انباشتگی در فاصله ی زمانی صدها هزار سال یا بعضاً چند میلیون سال. ولی هنگامی که این تغییرات به حد دگرگونی تیره می رسد، تکامل را رد می کند!! با وجود اینکه این دگرگونی نتیجه ی قطعی انباشت دگرگونی هایی است که در مدت زمان طولانی تری - مثلاً ده ها میلیون

سال - رخ داد است، به گونه ای که زمان کافی برای ظهور این نوع تفاوت‌های بنیادین فراهم گردد، تا طبق مباحث علم زیست شناسی، بتوان جاندار را در یک تیره ی دیگر جای داد.

او پذیرفته است که باز شکل گیری و تجدید ساختار جاندار که به تبعیت از شرایط محیطی آن صورت می گیرد، فرآیندی است مستمر و همین فرآیند است که باعث ایجاد تمایز و تفاوت بین خرس قطبی و خرس آفتاب می شود؛ این دو از نظر شکل، اندازه، وزن، رنگ، نوع غذا و سوخت و ساز (متابولیسم) تفاوت‌های فاحشی با یکدیگر دارند. ولی او (شیرازی) نمیپذیرد که این باز شکل گیری به حدی از تفاوت و تمایز برسد که مثلاً آنها را در دو تیره ی مختلف قرار دهد. این همان چیزی است که شیرازی باید بر آن دلیل اقامه کند؛ زیرا طبقه بندی نتیجه ی انباشت باز شکل گیری و تجدید ساختاری است که مبتنی بر جهش ژنتیکی روی میدهد...^۱

متأسفانه منکرین تکامل کلان بدون ارائه دلیل، انباشته شدن تغییرات در برهه های زمانی زیاد را نمی پذیرند و این درحالیست که هیچ مانعی برای ادامه ی انباشته شدن و بروز تغییرات بیشتر بین جانداران زنده وجود ندارد و وقتی تکامل خرد را می پذیریم راهی جز قبول تکامل کلان نداریم.

تهمت بی خدایی به دانشمندانی که نظریه تکامل را قبول دارند!!

ایشان در پاسخ به فردی که گفته بود تکامل در مدارس نیز تدریس میشود، می گویند:

در مدارس تدریس می شه ولی در مدارس هم که تدریس می شه نه به عنوان یک اصل ثابت شده بلکه به عنوان یک فرضیه ای که به احتمال دانشمندانی که بی خدا هستند برای آنها قانع کننده ترین جواب را دارد.^۲

پاسخ: از جناب ادوین صالح خداباور می پرسیم که اگر می گوئید نظریه تکامل توضیحی قانع کننده برای خدانا باوران است، پس توضیح قانع کننده خدانا باوران چیست؟! اساساً چطور اعتقاد به

^۱ <https://www.almahdyoon.co/index.php/1/item/553-2017-07-30-13-44-13>

^۲ <https://t.me/arshivporseshvapaso/kh/9371>
audio_2018-03-10_23-48-32

واقعیت تکامل حیات را منحصر به خدانا باوران می دانید؟! و چه دلیل علمی برای خلقت دفعی جسم پیچیده حضرت آدم (ع) دارید؟؟؟

و همچنین اینکه ادوین صالح منتظر هستند نظریه تکامل تبدیل به اصل یا قانون شود باید خدمتشان عرض کنیم هیچ وقت نظریه به قانون ارتقا نمی یابد زیرا نظریه توضیح می دهد و قانون توصیف می کند که این دو با هم فرق دارند و در صفحات پیشین توضیحات مبسوط ارائه شد.

ادوین صالح در جایی دیگر می گوید:

شما به عنوان یک مسیحی نمی توانید چنین چیزی را قبول کنید چون این فرضیه را دانشمندان بی خدا، دانشمندانی که با این فرضیه می خواهند وجود خدا، خلقت خدا را رد بکنند و ثابت بکنند همه چیز در طبیعت خود سازه و بدون دخالت نیروهای ماوراء الطبیعی، طبیعت می تواند خودسازی بکند از خودش حیات بوجود بیاورد و نیازی به خدا وجود ندارد. شما چطور می توانید یک مسیحی باشید و به خدای حقیقی ایمان داشته باشید و بعد ایمان داشته باشید که من و شما از میمون آمدیم.¹

پاسخ: اینکه ادوین صالح برای فریب مسیحیان، همان نیرنگ علمای قرون وسطی را به کار می گیرد جای تامل دارد!! و بارها این جمله اشتباه که هیچ ارتباطی با نظریه تکامل ندارد یعنی «انسان از میمون بوجود آمده است» را تکرار می کند تا به مخاطب خود القا کند که نظریه تکامل می گوید تو از میمونی!! و جالب است که همین عالم مسیحی وقتی می گوید همه انسان ها (بنی آدم) که از نسل فرزندان آدم (ع) هستند حاصل زنا هستند انتظار دارد با افتخار این موضوع را بپذیریم!!

و این درحالیست که هر دو پندار ادوین صالح کم سواد اشتباه است. ما نه تکامل یافته میمون هستیم و نه حاصل زنا فرزندان آدم (ع). و این پندارهایی است که مختص علمای بی عمل ادیان، نظیر ادوین صالح مسیحی و ... می باشد.

¹ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/23664>
audio_2018-03-11_01-00-17

نه نظریه تکامل می گوید ما تکامل یافته میمون هستیم (بلکه با میمون ها نیای مشترک داریم) و نه متون دینی ثابت و غیرقابل تاویل می گویند که ما حاصل زناى فرزندان آدم (ع) با یکدیگر هستیم همه این برداشت های غلط حاصل تفاسیر به رای و سراسر اشتباه علمای ادیانی است که در اکثر امور جاهل اند و متاسفانه در همه امور نظر می دهند!!!

اگر این افراد جاهل در امور مذکور سکوت پیشه می کردند و کار را به دانشمندان و مفسرین واقعی متون دینی (انبیای الهی و اوصیای آنها) می سپردند تا این حد مفتضح عام و خاص نمی شدند و تا این میزان تیشه به ریشه ادیان ابراهیمی نمی زدند.

(ایشان نمی دانند و نمی فهمند زیرا که چشمان ایشان را بسته است تا نبینند و دل ایشان را تا تعقل ننمایند.^۱)

و امیدواریم ادوین صالح من بعد در این موضوعات که صلاحیت سخن گفتن در آنها را ندارد، نطق نکند و پیرو حقیقی راه عیسی مسیح باشد. (آمین)

اما اینکه می گوید نظریه تأیید شده تکامل توسط دانشمندان بی خدا ارائه شده است باز از همان حرف هایی است که هر انسانی ولو کودک نابالغ نیز به آن می خندد و جای تاسف است که وقتی علمای ادیان سوء استفاده برخی خداناباوران از نظریه تکامل را می بینند اینطور ساده لوحانه نتیجه می گیرند که این نظریه علمی، یک نظریه الحادی است!!!

در حالیکه تفاسیر برخی خداناباوران از نظریه تکامل ارتباطی با شواهد علمی تأیید کننده این فکت و نظریه ندارد و بلکه اگر ایشان توان علمی دارند باید پاسخگوی استدلال های خداناباورانی نظیر پروفیسور ریچارد داوکینز باشند. نه اینکه صورت مساله را پاک کرده و واقعیت تکامل حیات را رد کنند!!

و به ادوین صالح توصیه می کنیم فصل ۴ کتاب توهم بی خدایی نوشته سید احمدالحسن را مطالعه کنند تا متوجه شوند که نظریه تکامل اثری از خالقی آگاه و هدفدار می باشد نه طبیعت کور و نابینا.

^۱ اشعیا ۴۴: ۱۸

در نتیجه اگر ادوین صالح و همچنین سایر علمای ادیان فهم نظریه تکامل را ندارند یا نمی توانند پاسخگوی شبهات علمی ملحدین باشند، دلیلی بر باطل بودن نظریه تکامل نیست بلکه این علمای بی عمل باید سکوت کنند. اگر آنها سکوت می کردند و جای حجت های الهی را به اصطلاح خودشان پر نمی کردند و بستر حکومت الهی را فراهم می کردند آن وقت فرستادگان الهی در هر زمان پاسخگوی این شبهات بودند. (همانطور که سید احمدالحسن به زیبایی پاسخ شبهات علمی ملحدین را در کتاب توهّم بی خدایی داده اند کاری که علمای ادیان عاجز از آن می باشند)

و در آخر یک نمونه از دانشمندان مسیحی که نظریه تکامل را قبول دارد و از قضا از مروجین خداآوری نیز می باشد را ذکر می کنیم تا باطل بودن ادعاهای ادوین صالح بیش از پیش ثابت شود.

سید احمدالحسن در کتاب توهّم بی خدایی^۱ می نویسند:

حقیقت آن است که دلایل علم ژنتیک بر تکامل، بسیار است و من در اینجا قصد ندارم همه ی این دلایل را بررسی کنم. از این رو مبحث را با سخنان یکی از متخصصان ژنتیک خاتمه می دهم.

دکتر فرانسیس کالینز^۲ در مورد برخی شواهدی که خود وی به هنگام مطالعه ی نقشه ژنتیکی انسان، گروهی از پستانداران و دیگر موجودات به دست آورده است، اشاره می کند:

When I contracted malaria in West Africa in 1989, that was despite having taken the recommended prophylaxis (chloroquine). Randomly occurring natural variations in the

^۱ سید احمدالحسن، کتاب توهّم بی خدایی، ص ۱۰۷

^۲ دکتر فرانسیس کالینز مسیحی (Francis Sellers Collins) متولد ۱۴ آوریل ۱۹۵۰، پزشک آمریکایی، متخصص ژنتیک و سرپرست پروژه ی ژنوم انسان است. وی به دلیل کشفیات برجسته درباره ی بیماری های ژنتیکی و سرپرستی پروژه ی ژنوم انسان شهرت دارد. انجمن غدد درون ریز از وی به عنوان یکی از موفق ترین دانشمندان عصر ما نام می برد. او همچنین ریاست موسسه ی ملی سلامتی در مریلند را عهده دار است. وی به عنوان یک دانشمند ژنتیک، درستی نظریه ی تکامل را تایید می کند و در عین حال به وجود خدا اعتقاد دارد. (مترجم کتاب توهّم بی خدایی)

genome of the malarial parasite, subjected to selection over many years of heavy use of chloroquine in that part of the world, had ultimately resulted in a pathogen that was resisted to the drug, and therefore spread rapidly. Similarly, rapid evolutionary changes in the HIV virus that causes AIDS have provided a major challenge for vaccine development, and are the major cause of ultimate relapse in those treated with drugs against AIDS. Even more in the public eye, the fears of a pandemic influenza outbreak from the H5N1 strain of avian flu are based upon the high likelihood that the current strain, devastating as it already is to chickens and a few humans who have had close contact with them, will evolve into a form that spreads easily from person to person. Truly it can be said that not only biology but medicine would be impossible to understand without the theory of evolution.

در سال ۱۹۸۹ در آفریقای غربی، با وجود پیشگیری های توصیه شده (استفاده از کلروکین)^۱ به بیماری مالاریا مبتلا شدم. تغییرات طبیعی تصادفی در ژنوم انگل مالاریا به دلیل مصرف بسیار زیاد کلروکین در آن قسمت از دنیا طی چندین سال، در نهایت، منجر به پیدایش نوعی انگلی بیماریزای مقاوم به دارو شد و در نتیجه بیماری به سرعت گسترش یافت. به طور مشابه، تغییرات تکاملی سریع در ویروس HIV (عامل بیماری ایدز) چالش اصلی برای کشف واکسن آن می باشد و همین طور، علت اصلی عدم موفقیت داروهای ضد ایدز به شمار می آید.

حتی در بین عموم مردم، نگرانی از شیوع آنفلوآنزای ناشی از ویروس H5N1 (آنفلوآنزای مرغی)^۲ وجود دارد. در مورد این بیماری که در پرندگان و نیز تعداد کمی از انسانهایی که تماس نزدیک با آنها داشته اند، مشاهده شده است، نگرانی از این است که این ویروس به شکلی تکامل یابد که به آسانی از یک شخص به

^۱ Chloroquine

^۲ نام آنفلوآنزای مرغی یا آنفلوآنزای پرندگان به این دلیل برای این بیماری به کار میرود که گونه ی رایج آن ابتدا در میان پرندگان مشاهده شد. (مترجم کتاب توهم بی خدایی)

شخص دیگر منتقل شود. در حقیقت می توان گفت که نه تنها درک زیست شناسی بلکه فهم پزشکی نیز بدون نظریه ی تکاملی، غیرممکن خواهد بود...

The study of genomes leads inexorably to the conclusion that we humans share a common ancestor with other living things.

از بررسی ژنوم ها این نتیجه ی قطعی به دست می آید که ما انسان ها اجداد مشترکی با سایر موجودات زنده داریم.

This evidence alone does not, of course, prove a common ancestor, from a creationist perspective, such similarities could simply demonstrate that God used successful design principles over and over again. As we shall see, however, and as was foreshadowed above by the discussion of "silent" mutations in protein-coding regions, the detailed study of genomes has rendered that interpretation virtually untenable-not only about all other living things, but also about ourselves.

البته از دیدگاه خلقتگرایان (متدینین)، این نتیجه به تنهایی وجود یک نیای مشترک را ثابت نمی کند. از دید آنان این شباهتها به سادگی نشان می دهد که خداوند بارها و بارها از اصول طراحی موفق استفاده نموده است. به هر حال، همان طور که خواهیم دید و با توجه به بحث قبلی در مورد جهش های خاموش¹ در نواحی رمزگشای پروتئین، مطالعه ی دقیق ژنوم ها، نه تنها برای سایر موجودات زنده، بلکه حتی در مورد خود ما انسان ها، بیانگر این است که این دیدگاه یک تفسیر تخیلی غیرقابل دفاع می باشد.

As a first example, let us look at a comparison of the human and mouse genomes, both of which have been determined at high accuracy. The overall size of the two genomes is roughly the same, and the inventory of protein-coding genes is remarkably similar. But other unmistakable signs of a common ancestor quickly appear when one looks at the details.

¹ Silent Mutations

به عنوان اولین مثال، نگاهی به مقایسه ی ژنوم های انسان و موش می اندازیم که هر دو به صورت کاملاً دقیق مشخص شده اند. اندازه ی کلی هر دو ژنوم تقریباً مشابه است و فهرست ژن های رمزگشای آنها تشابه چشمگیری دارد، اما با نگاهی به جزئیات، سایر نشانه های قطعی اجداد مشترک به سرعت ظاهر می گردند...

Unless one is willing to take the position that God has placed these decapitated AREs in these precise positions to confuse and mislead us, the conclusion of a common ancestor for humans and mice is virtually inescapable. This kind of recent genome data thus presents an overwhelming challenge to those who hold to the idea that all species were created ex nihilo .

مگر آنکه انسان بخواهد این موضع را اتخاذ کند که خداوند این عناصر تکراری قدیمی را در این محل های معین جهت گیج ساختن و گمراه کردن ما قرار داده است؛ بنابراین پذیرفتن این نتیجه که انسان و موش دارای اجداد مشترکی هستند، گریزناپذیر است. بنابراین کشف این گونه اطلاعات جدید در مورد ژنوم، بیانگر چالش عظیمی است که در برابر معتقدان به «پیدایش بی واسطه ی همه ی گونه های مختلف از عدم»، قرار گرفته است.

When one compares chimp and human, occasional genes appear that are clearly functional in one species but not in the other, because they have acquired one or more deleterious mutations.

در مقایسه ی شامپانزه و انسان به نظر میرسد برخی ژنها در یک گونه به طور واضحی دارای عملکرد هستند، در حالی که در گونه ی دیگر این طور نیست؛ زیرا این ژنها دچار یک یا چند جهش زیانبار شده اند.

The human gene known as caspase-12, for instance, has sustained several knockout blows, though it is found in the identical relative location in the chimp. The chimp caspase-12 gene works just fine, as does the similar gene in nearly all mammals, including mice. If humans arose as a consequence of

a supernatural act of special creation, why would God have gone to the trouble of inserting such a nonfunctional gene in this precise location?

به عنوان مثال ژنی در انسان به نام کاسپاس-۱۲ چندین ضربه ی فنی مخرب را متحمل شده است. این ژن در شامپانزه نیز در محل متناظری وجود دارد. ژن کاسپاسی -۱۲ در شامپانزه همانند ژن مشابه تقریباً همه ی پستانداران دیگر، از جمله موش، به درستی عمل می کند. اگر انسان در نتیجه ی عمل آفرینش خاص ماوراءالطبیعه ظاهر شده است، چرا خداوند زحمت وارد کردن چنین ژن فاقد عملکردی را در این مکان مشخص متحمل گشته است؟!^۱

سپس فرانسیس کالینز، دانشمند ژنتیک، دلایلی را که علم ژنتیک برای اثبات نظریه ی تکامل ارایه نموده است، فهرست کرده و چنین بیان می دارد:

At this point, godless materialists might be cheering. If humans evolved strictly by mutation and natural selection, who needs God to explain us? To this, I reply: I do

در اینجا، مادی گرایان ملحد ممکن است سرمست شوند که انسان حقیقتاً بر اثر جهش ها و انتخاب طبیعی تکامل یافته است، پس برای توضیح آن، چه کسی به خداوند نیاز دارد؟ من در پاسخ به این پرسش می گویم: من نیاز دارم!

The comparison of chimp and human sequences, interesting as it is, does not tell us what it means to be human. In my view, DNA sequence alone, even if accompanied by a vast trove of data on biological function, will never explain certain special human attributes; such as the knowledge of the Moral Law and the universal search for God. Freeing God from the burden of special acts of creation does not remove Him as the source of the things that make humanity special, and of the universe itself. It merely shows us something of how He operates.

^۱ فرانسیس کالینز، زبان خدا، گلچینی از فصل ۵.

مقایسه ی ترتیب ژنتیکی انسان و شامپانزه در عین حال که جالب است، به ما نمی گوید که انسان بودن به چه معنا می باشد. از دیدگاه من، ترتیب و توالی DNA به تنهایی، حتی اگر با گنجینه های وسیعی از اطلاعات در مورد عملکرد زیست شناختی همراه گردد، هرگز صفات ویژه ی انسانی همانند قانون اخلاقی و مطالبه ی همگانی برای وجود خداوند را توضیح نخواهد داد. مبرا ساختن خداوند از مسؤولیت سنگین مربوط به اعمال خاص آفرینش سبب نمی شود که او مبدا چیزهایی باشد که به انسانیت و همچنین خود کائنات، هویت می بخشد! این علم صرفاً چیزهایی را در مورد چگونگی عملکرد خداوند به ما می آموزد.^۱

و جالب است که بدانید همین دانشمند مسیحی در مناظره ای با ریچارد داوکینز خداناباور چنین گفته است:

من به طور جدی به قدرت آفرینش خدا که همه چیز را در نخستین مرحله به وجود آورده باشد معتقد هستم. من دریافته ام که مطالعه جهان طبیعت یک فرصت و موقعیتی است تا عظمت، ظرافت و پیچیدگی آفرینش خدا را مشاهده نمائیم.

و اکنون بخشی از کتاب توهم بی خدایی را به خوانندگان عزیز تقدیم می کنیم:

دلایلی که نظریه ی تکامل را تأیید می کند و بر آن صحّه می گذارد، بسیار زیاد است. از سوی دیگر اشکالات بنیادینی که ایده ی آفرینش دفعی را متزلزل می ساز نیز فراوانند؛ مانند اشکال عصب حنجره و دیگر اشکالات مشابهی که در کالبدشناسی تطبیقی یافت می شود.... برای مجادله کنندگانی که از سر جهل یا لجاجت نظریه ی تکامل را رد میکنند، دیگر چه باقی مانده ست؟! یک چیز باقی مانده است: هر کسی می تواند این نظریه را نقض کند، به این صورت که یا آن را از اعتبار علمی ساقط نماید یا به محض یافتن شاهد و مدرکی که با پیش بینی های این نظریه سازگاری داشته باشد، به آن استناد نماید. نظریه ی تکامل، استوار ایستاده است و تمام انکارکنندگان را به تحدی و مبارزه دعوت می کند و از آنها میخواهد که فقط یک شاهد و دلیل ارایه کنند که با پیشگویی های این نظریه همخوانی نداشته باشد؛ فقط یک دلیل نه بیشتر. واقعیت آن است که

^۱ فرانسیس کالینز، زبان خدا، گلچینی از فصل ۵.

چنین سرنخی وجود ندارد و هزاران پژوهش و آزمایش صورت گرفته در علم زیست شناسی، کالبدشناسی تطبیقی و ژنتیک، از زمان پیدایش نظریه ی تکامل تا امروز نتوانسته است مدرکی در علم زمین شناسی تاریخی بیابد که با پیش بینی های نظریه ی تکامل متعارض باشد. این به آن معنا است که نظریه ی تکامل کاملاً صحیح بوده است و هیچ نقص و خللی در آن راه ندارد. گذشت بیش از یکصد سال که سرشار از هزاران آزمایش، پژوهش و مشاهدات عینی بوده است و جملگی بدون استثنا با مبانی یک نظریه ی مشخص مطابقت داشته اند، بر اثبات درستی آن نظریه کفایت می کند.^۱

و ادوین صالح دایره تهمت های خود را گسترش داده و می گوید:

دانشمندان، اکثراً دانشمندان بی خدا هستند که سعی می کنند که هر طور شده خدا را بذارن بیرون از موارد علمی و با تئوری ها و فرضیاتی که از خودشون میسازند ثابت کنند طبیعت ما، دنیای ما نیازی به خالق ندارد و خودش، خودش را ساخته پس از دیدگاه مسیحیت مردود است.^۲

پاسخ: این گفته های ادوین صالح نیازی به پاسخ ندارند و همانطور که قبلاً اشاره کردیم فقط اثبات کننده نگاه قرون وسطایی این معلم مسیحی است و هنوز خوی علم ستیزی در او وجود دارد و از این کار لذت می برد!!

آیا فرقی بین ادوین صالح و کشیشان قرون وسطی وجود دارد؟؟؟

چرا ادوین صالح نمی تواند تکامل کلان را ببیند؟

ادوین صالح در این مورد می گوید:

وقتی از دانشمندان می پرسیم خب به ما در رده های فسیل ها تکامل را نشان بدهید دانشمندان می گویند آنقدر تکامل سریع جهش ها انجام شد که ما در فسیل ها نمی

^۱ سید احمدالحسن، توهّم بی خدایی، ص ۱۰۹

^۲ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/2321>
audio_2018-03-11_01-23-55

توانیم تمام مراحل تکامل را نشان دهیم چون سریع این اتفاق افتاد و زمان برای ضبط این تحولات وجود نداشت.

خب اگر اینقدر سریع این اتفاق افتاد امروز در آزمایشگاه نشان دهید که این تکامل دارد اتفاق می افتد و می گویند نه تکال آنقدر طول می کشد که بعضی موقع ها میلیون ها سال وقت می خواهد. پس دوست عزیز از کدام طرف دهانشان حرف می زنند از یک طرف می گویند آنقدر سریع بود که فرصت ضبط شدن این تحولات در لایه های فسیل ها و خاک و گل نیست. از آن طرف می گویند آنقدر طول کشید که انسان در طول عمر خودش نمی تونه آن تکامل را ببیند پس اینجا ضد و نقیض هستش.... و انسان از میمون ها نیامده.^۱

پاسخ: علت عدم امکان مشاهده تکامل کلان زمان زیادی است که نیاز است تا تغییرات به اندازه کافی انباشته شوند تا گونه های جدید و انواع جدید ایجاد شوند و نیز عدم مشاهده فسیل های حد واسط علت های زیادی دارد (و البته شایان ذکر است که خلاف ادعای ادوین صالح تعداد قابل توجهی تا کنون پیدا شده اند) و مراد از تکامل سریع نیز اینطور نیست که ادوین صالح فکر می کند مثلاً طی چند سال اتفاق افتاده اند و از این رو می خواهد در آزمایشگاه ببیند!!!

برای مثال بزرگ شدن مغز انسان از مصادیق تکامل سریع می باشد.

تغییر برآمدگی جمجمه انسان از اجدادی مانند استرالوپیتکوس ها که مغزشان حدود ۵۰۰ سانتی متر مکعب حجم داشت تا انسان هوشمند امروزی که متوسط حجم مغزش ۱۴۰۰ سانتی متر مکعب است این افزایش که حدوداً ۹۰۰ سانتی متر مکعب است و تقریباً معادل ۳ برابر شدن حجم مغز است طی زمانی بیشتر از سه میلیون سال رخ داده است بر اساس معیارهای تکامل، سرعت این تغییر زیاد است.^۲

و آیا ادوین صالح می تواند تغییرات ۳ میلیون ساله را در مدت چند سال در آزمایشگاه مشاهده کند؟؟؟!!!

^۱ <https://t.me/arshivporseshvapasoikh/9371>
audio_2018-03-10_23-48-32

^۲ ریچارد داوکینز، ساعتساز نابینا، ص ۳۴۰.

و همچنین ادوین صالح ادعا می کند فسیل های حد واسط وجود ندارند و از قول دانشمندان به این باور خود نیز جواب می دهد!! درحالیکه اینچنین نیست بلکه امروزه تعداد بسیار زیادی از حد واسط های پیش بینی شده توسط نظریه تکامل پیدا شده اند.

که برای نمونه به حد واسط تیکتالیک اشاره می کنیم:

یکی از مفیدترین خواص نظریه های علمی این است که می توان از آنها برای پیش بینی درباره رویداد های طبیعی یا پدیده هایی که هنوز مشاهده نشده اند استفاده کرد.

به طور مثال، نظریه جاذبه رفتار اشیاء را بر روی ماه و سایر سیارات، خیلی قبل از اینکه توسط فعالیت فضاپیما ها و فضانوردان تایید شود، پیش بینی کرده بود.

زیست شناسان تکاملی [به رهبری دکتر نیل شوبین]^۱ که تیکتالیک^۱ را کشف کردند، قبل از کشف، پیش بینی کرده بودند که آنها می بایست فسیل هایی از جانور میانی بین ماهی و حیوانات چهار دست و پای خشک زی در میان رسوبات پیدا کنند، که مربوط به ۳۷۵ میلیون سال قبل بوده باشند.

کشف آنها، پیش بینی که بر اساس مفاهیم بنیادی نظریه تکامل انجام شده بود را تایید کرد و لذا تایید هر پیش بینی بر اساس هر نظریه علمی، اعتماد به آن نظریه را افزایش می دهد.^۲

فرایند تکامل، مدارک و شواهد در خور توجهی از خود به جای گذاشته است. داروین روند اشتقاق گونه ها را با شواهدی از توزیع جغرافیایی و بقایای فسیلی آنها مطرح کرد.

امروزه، ما می توانیم همزمان با ادامه پیشرفت دانش زیست شناسی در زمینه های گوناگون، وقوع رخداد تکامل را با دلایل و شواهد بیشتری به اثبات برسانیم. بخشی از این مدارک که اینک به آنها می پردازیم شامل مشاهداتی از علم تشریح مقایسه ای، علم رده

^۱ Tiktaalik

^۲ <http://www.nas.edu/evolution/TheoryOrFact.html>

<http://www.daneshagahi.com/scientists-posts/77-فرگشت-یک-تئوری-است-یا-حقیقت-علمی->

بندی، ذخایر فسیلی، جنین شناسی مقایسه ای، جغرافیای زیستی و زیست شناسی مولکولی هستند.^۱

و شایان ذکر است که فسیل ها تنها و مهم ترین شواهد نظریه تکامل نیستند.

علم تکامل، با استفاده از یافته های سایر علوم از جمله ژنتیک، بیولوژی سلولی و مولکولی، اکولوژی، جنین شناسی، آناتومی؛ فیزیولوژی، فسیل شناسی، رفتارشناسی، بیوسیستماتیک، بیوشیمی، بافت شناسی و حتی انگل شناسی و ... امکان دسترسی به ریشه ها و اجداد موجودات زنده را فراهم نموده و رابطه و خویشاوندی آنها را بررسی و شرح می دهد.^۲

فرایند تکامل، مدارک و شواهد در خور توجهی از خود به جای گذاشته است. داروین روند اشتقاق گونه ها را با شواهدی از توزیع جغرافیایی و بقایای فسیلی آنها مطرح کرد.

امروزه، ما می توانیم همزمان با ادامه پیشرفت دانش زیست شناسی در زمینه های گوناگون، وقوع رخداد تکامل را با دلایل و شواهد بیشتری به اثبات برسانیم. بخشی از این مدارک که اینک به آنها می پردازیم شامل مشاهداتی از علم تشریح مقایسه ای، علم رده بندی، ذخایر فسیلی، جنین شناسی مقایسه ای، جغرافیای زیستی و زیست شناسی مولکولی هستند.^۳

بخشی از گفته های پروفیسور ریچارد داوکینز در مورد تکامل حیات را ذکر می کنیم:

بزرگترین نمایش روی زمین چیست؟ خب حیات است.

تمامی گوناگونی حیات، پیچیدگی حیات، زیبایی حیات و شمار فراوان گونه هایی که هر یک دارند کار خود را به روش خود انجام می دهند.

اینها چگونه بوجود آمده؟ با فرگشت بوسیله انتخاب طبیعی.

^۱ دکتر هنگامه علی بیک، تکامل موجودات زنده، ص ۴۱

^۲ دکتر کاظم پریور - دکتر محمد نبیونی، تکامل زیستی، ص ۸-۹

^۳ دکتر هنگامه علی بیک، تکامل موجودات زنده، ص ۴۱

چگونه می دانیم که این یک واقعیت (فکت) است؟

.... ما مدارکی را از نظر می گذارنیم که داروین می دانست از طریق اهلی سازی سگ ها، کلم ها، خوک ها و گاوها. همگی در مدت خیلی کوتاهی به طریق عظیمی تغییر داده شده اند، شاید در طول سده ها، یا شاید در چند هزاره.

اگر این مقدار تغییرات می تواند طی چند سده یا هزاره به دست بیاید، فقط تصور کنید که در طول ۱۰ میلیون سال یا صد میلیون سال به کجا خواهد کشید.

این مقدار بازه زمانی است که در فرگشت واقعی با آن سروکار داریم.

چگونه آن را می دانیم؟

ما آن را از طریق تاریخ سنجی رادیواکتیو و دیگر روش های تخمین عمر می دانیم... فسیل ها مهم ترین مدارک فرگشت نیستند، هرچند که بسیار قانع کننده اند.

مدارک حتی قانع کننده تری نیز وجود دارد، از طریق مقایسه ی مولکولی جانوران امروزی و از طریق پراکندگی جغرافیایی جانوران امروزی، حیوانات در جایی هستند که دقیقا انتظار دارید باشند. اگر فرگشت اتفاق افتاده باشد، ارتباط مولکول هایشان، مولکول های ژنتیک شان، دقیقا همانطوری هستند که انتظار دارید باشند ...

کتاب، تشبیه کاراگاهی را به کار می گیرد که پس از اتفاق افتادن جرم به صحنه جنایت آمده است او نمی تواند جنایت را ببیند ولی با مشاهده تمام سرنخ های باقیمانده در میابد که چنین و چنان شده است. در مورد دانشمندان و فرگشت نیز به همین صورت است ما نمی توانیم اتفاق افتادن فرگشت را ببینیم چون عمرمان کفاف نمی دهد ولی ما سرنخ های باقی مانده را ملاحظه می کنیم و همگی آنها قاطعانه به یک نتیجه اشاره دارند که فرگشت یک واقعیت (فکت) است.^۱

¹ <https://youtu.be/LkdaX9K1jCo>

سید احمدالحسن در مورد تکامل حیات می نویسند:

خلاصه ی آنچه توسط داروین و زیست شناسان پس از او در موضوع تکامل ارائه گردیده، چنین است: دگرگونی و تمایز بین افراد (که می تواند به عنوان مثال از دگرگونی در نقشه ژنتیکی آنها ناشی شده باشد) به همراه فرآیند انتخاب طبیعی محیط پیرامون آنها، در کنار وراثت، منجر به تکامل و تطابقی می شود که با همان محیط طبیعی آنها تناسب دارد. برای اثبات این موضوع، نیازی به سنگواره ها نیست، چرا که اگر خواننده معنای دگرگونی نقشه های ژنتیکی، حفظ یا انتخاب نژادهای برتر را بشناسد، خواهد فهمید که تکامل، پدیده ای است قطعی و حتمی.

مسأله بسیار ساده است: هرگاه ما دگرگونی به همراه اختیار یا انتخاب، و وراثت داشته باشیم، قطعاً تکامل به دست می آید. دگرگونی وجود دارد و در جاری بودن آن بین افراد یک نوع، کوچکترین شکی نیست. همین طور اختیار و انتخاب کردن نیز وجود دارد؛ چرا که همراه و ملازم طبیعت، مقتضیات آن و متغیرهایی است که همواره به وقوع می پیوندند؛ مانند پایین رفتن سطح آب ها، خشکسالی، کاهش و افزایش دمای هوا، ورود درنده یا شکار جدید. به علاوه هرگاه تولد و ازدیاد نسل وجود داشته باشد، قطعاً وراثت نیز پا به پای آن وجود خواهد داشت. بنابراین تکامل، موضوعی است حتمی که در گذشته، حال و آینده وجود داشته، دارد و خواهد داشت؛ زیرا تمام مقدمات آن فراهم است و قبلاً نیز این مقدمات فراهم بوده است. بنابراین، موضوع بر سر پاسخ آری یا خیر نیست؛ زیرا وجود تکامل واقعیتی کاملاً بدیهی است؛ به همان روشنی چرخیدن زمین!

علاوه بر آنچه گذشت، دلایل فراوانی از علم کالبدشناسی تطبیقی، سنگواره ها و علم ژنتیک وجود دارد که همگی موضوع تکامل را تأیید می کنند و بر آن صحه می گذارند. تکامل موضوع روشنی است و حتی در زنجیره ی جانداران امروزی که در دسترس ما قرار دارند، نیز به وضوح دیده می شود.

پس هنگامی تکامل به دست میاید که دگرگونی و وراثت - که نتیجه ی ازدیاد نسل است - و برگزیدن جاندار سازگارتر با محیط طبیعی توسط طبیعت صورت پذیرد.^۱

آیا خداوند به وضوح گفته است نظریه تکامل صحیح نیست؟!

ادوین صالح می گوید:

آیاتی در کتاب مقدس به این صورت نوشته نشده است که تکامل رد شده است.^۲

کلام خدا به وضوح می گه خدا همه ی حیوانات را و همه ی موجودات را به نوبه ی خود و در رده های خودشان و در زمان های خاص خودشان خلق کرد.^۳

کلام خدا به وضوح به ما می گوید که خدا خالق هستی است تمام موجودات. و موجودات از هم با تکامل به اینجا نرسیده اند.^۴

پاسخ: از تناقض گویی های ادوین صالح که بگذریم سوالی از او داریم اینکه می گوید « کلام خدا به وضوح می گه خدا همه ی حیوانات را و همه ی موجودات را به نوبه ی خود و در رده های خودشان و در زمان های خاص خودشان خلق کرد» لطف کنید دقیق نص مذکور را ذکر نمائید که در کجای کتاب مقدس به وضوح آمده است همه حیوانات به نوبه خود و در رده خودشان ایجاد شدند و حاصل تکامل از یکدیگر نیستند و با تکامل به اینجا نرسیده اند؟؟

در حالیکه چنین آیه ای که به وضوح تصریح کرده باشد حیوانات حاصل تکامل نیستند نداریم همانطور که خود ادوین صالح در جایی دیگر اقرار نموده است « آیاتی در کتاب مقدس به این صورت نوشته نشده است که تکامل رد شده است»

^۱ سید احمدالحسن، کتاب توهّم بی خدایی، ص ۸۶

<https://www.almahdyoon.co/doa.html#p=86>

^۲ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/5418>
audio_2018-03-11_00-18-52

^۳ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/5405>
audio_2018-03-11_00-26-12

^۴ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/5402>
audio_2018-03-11_00-41-29

آیا نظریه تکامل با قوانین ترمودینامیک مغایرت دارد؟!۱

ادوین صالح در این زمینه نیز نطق جالبی دارند:

فرضیه تکامل با قوانین ترمودینامیک هم مغایرت دارد و در نتیجه از لحاظ علمی هم به هیچ وجهی ثابت نشده و فقط یک فرضیه است.^۱

پاسخ: نظریه تکامل به هیچ وجه با قوانین ترمودینامیک مغایرت ندارد بلکه مشکل در فهم اشتباه منکرین تکامل حیات از قانون دوم ترمودینامیک می باشد.

طبق قانون دوم ترمودینامیک در سیستم بسته آنتروپی افزایش می یابد و آیا در سیستم باز نیز الزاما آنتروپی افزایش می یابد؟!!!!

سید احمدالحسن در پاسخ به این شبهه منکرین تکامل می نویسند:

فرض می کنیم عالم جسمانی سیستمی بسته باشد و قانون دوم ترمودینامیک بر آن صدق می کند. از آنجا که در یک سیستم بسته، آنتروپی نمی تواند رو به کاهش باشد، و با فرض اینکه آنتروپی در هستی در حال افزایش است، این به آن معنا نیست که تمام اجزای موجود در هستی در این مسیر یعنی افزایش آنتروپی حرکت می کنند؛ چرا که هیچ مانعی وجود ندارد که بخش هایی از هستی (سیستم بسته، طبق فرض) مانند زمین، روزی روزگاری به سمت ساخت یافتگی و نظم بیشتر حرکت کند؛ هرچند که بخش های دیگر آن به سمت افزایش آنتروپی گام برمی دارد. مهم این است که سیستم به عنوان یک مجموعه ی کامل، قانون دوم ترمودینامیک را نقض نمی کند. از اینجا معلوم میشود اشکالی که بر زمین گرفته شده، منطقی نبوده است و از درک سطحی قانون دوم ترمودینامیک سرچشمه می گیرد.

این در حالی است که ما می دانیم زمین به خودی خود یک سیستم بسته نیست؛ زیرا بیش از یک سیستم برای تبادل انرژی در زمین و با زمین وجود دارد. خورشید به زمین گرما و نور می بخشد. بخش های زمین نیز پی در پی با شب و روز مواجه می شوند و اینها

¹ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/5406>
audio_2018-03-11_00-32-51

زمین را به سامانه های مختلفی تقسیم می کنند، که در آن تبادل انرژی به صورت متغیر و دایمی در حال رخ دادن است؛ چرا که زمین دارای چندین سیستم است و سیستمی یکتا نیست. درون زمین که شامل ماگما می باشد، داغ است بنابراین بین درون زمین با پوسته و جو آن، یک سری عملیات تبادل انرژی به صورت بی قاعده جریان دارد.

فضای اطراف زمین نیز خود یک سیستم است و بین آن و زمین تبادل انرژی برقرار می باشد.

... بنابراین بر اساس وضعیتهای زمین ما که پیشتر شرح آن رفت، قانون ترمودینامیک در بین دو سیستم به این صورت می باشد: «هنگامی که بین دو سیستم انرژی گرمایی مبادله شود، آنتروپی کلی دو سیستم کاهش نمی یابد» و این به این مفهوم است که افزایش نظم در زمین، شدنی است؛ چرا که زمین با جهان پیرامون خود به تبادل انرژی می پردازد. افزایش نظم در برخی قسمتهای زمین نیز امکان پذیر است؛ زیرا در زمین سیستم های متعددی وجود دارد که تبادل انرژی بین آنها برقرار می باشد. مهم این است که اولاً آنتروپی کلی برای این دو سیستم کاهش نمی یابد و ثانیاً آنتروپی فقط به یکی از این دو سیستم تعلق ندارد. زمین، نه یک سیستم بسته است و نه فقط یک سیستم یکتا، بلکه سیستم های متعددی در آن وجود دارد و هیچ مانعی نیست که آنتروپی در بخشی از زمین افزایش یابد و در جایی دیگر از آن رو به کاهش نهد..... برای پاسخ دادن به اینها کافی است بگوییم رشد و افزایش و ازدیاد، و حرکت از سادگی به سمت پیچیدگی و فراوانی و بهینه شدن، چیزی است که هر روز آن را در حیات زمینی مشاهده می کنیم. اگر تکامل ناقض قانون دوم ترمودینامیک باشد، باید نتیجه گرفت که رشد و ازدیاد گیاهان نیز ناقض آن است و اگر به این دلیل تکامل را غیرممکن میدانند پس رشد و ازدیاد گیاهان نیز باید غیرممکن تلقی شود. زندگی گیاهان از بذری که در واقع نقشه ی ژنتیکی آن می باشد شروع می شود و سپس گیاه با گذشت زمان رشد می کند و انبوه می گردد. رشد جنین و بچه های حیوانات نیز بر همین منوال است. هیچ فرقی بین رشد جنین، رشد گیاهان و رشد نوزاد و تکامل وجود ندارد؛ چرا که اینها همگی عبارت است از زیاد شدن و حرکت از سادگی به سوی پیچیدگی در طول زمان. نقض قانون دوم ترمودینامیک توسط قانون تکامل آن گونه که مدعای اینان است، از نقض آن توسط رشد جنین و گیاهان و

نوزادان بیشتر نیست. با این حال ما می بینیم که همچنان جنین ها، گیاهان و نوزادان رشد میکنند و افزون و تکثیر می گردند.^۱

در نتیجه این قانون در سیستم بسته صدق می کند و تازه در سیستم بسته نیز امکان دارد نظم های لوکال یا محلی دیده شود و این درحالیست که زمین سیستمی باز است و از خورشید انرژی دریافت می کند و امکان کاهش آنروپی در آن وجود دارد و اساسا اگر تصور ادوین صالح صحیح باشد او نیز نباید متولد می شد و دیگر ادوین صالحی وجود نداشت که منکر تکامل باشد. پس وجود ادوین صالح و تمام موجودات زنده، مثال نقض پندار او می باشند هر گیاهی که می روید و هر نوزادی که متولد می شود و رشد می کند و هر بلور شش پر برفی که می بارد همه این ها مصادیق کاهش آنروپی هستند. که متاسفانه ادوین صالح هنوز از این شبهه قدیمی و سطحی برای رد تکامل حیات استفاده می کند!!!

برای درک بهتر موضوع آنروپی توصیه می شود مقاله مفهوم نظم در آنروپی و مقاله عدم مغایرت نظریه تکامل با قانون دوم ترمودینامیک را مطالعه نمائید.^۲

آیا آنچه داروین گفته است، چرندیات است؟!!!

ادوین صالح می گوید:

دلایل لازم برای اثبات خلقت خدا و رد تئوری تکامل هم امروز در دنیا بسیار زیاد است. امروزه بسیاری از دانشمندان از این چرندیات داروین برگشتند به ایمانی که انسان منحصر به فرد در یک زمانی خلق شده است. لطفا فکر هاتون رو عوض کنید.^۳

پاسخ: اینکه یافته های علمی داروین را ادوین صالح چرندیات می داند نشان از ادب و سیره ی قرون وسطایی او دارد و همچنین شایسته بود ادوین صالح آمار دانشمندانی که قائل هستند جسم انسان امروزی دفعتا از عدم در یک زمان خلق شده است را نیز ذکر می کرد!!!

^۱ سید احمد الحسن، کتاب توهم بی خدایی، ص ۴۷ - ۵۹

<https://www.almahdyoon.co/doa.html#p=47>

^۲ <https://www.almahdyoon.co/index.php/2017-04-30-07-04-51/2017-04-30-09-05-02> /پاسخ-به-شبهات-تکامل-حیات

^۳ <https://t.me/arshivporseshvapasokh/22742>
audio_2018-03-11_01-31-57

و همچنین از ادوین صالح درخواست می کنیم فقط و فقط یک دلیل از آن دلایل رد نظریه تکامل را که ادعا نموده است، در قالب یک مقاله علمی، خودش یا آن دانشمندانی که دیگران نمی شناسند و فقط ایشان آنها را می شناسد، بنویسند و به محافل علمی ارائه دهند و جایزه نوبل سال را دریافت نمایند!!!!

واقعا جای تاسف است که ادوین صالح به جای پیروی از راه عیسی مسیح و انبیای الهی، اینچنین برای دفاع متعصبانه و لجبازانه از برداشت های اشتباهش، متوسل به هر دروغ و مغلطه ای می شود و وقتی راهها را بر روی خود بسته می بینید یافته های علمی را چرنديات خطاب می کند!!! و آیا با چنین برخورد های تند و زننده و غیرعلمی انتظار داریم جوانان کنجکاو و جویای حقیقت جذب دین و خدا باور شوند؟!!!

که در این موضوع و علل منتشر شدن الحاد، سید احمدالحسن در دیدار با دکتر عبدالرزاق دیراوی می گوید:

فکر می کنم کنجکاوی یا جست وجو برای پاسخ هایی قانع کننده، قطعاً دلیل اصلی منتشر شدن هر تفکر یا فرهنگ یا رفتاری -به صورت عمومی- در جامعه انسانی است. انسانیت -به خاطر کنجکاوی انسانی- امروزه به حدی از شناخت و آموزه ها رسیده است. به همین خاطر می گویم که چه بسا مهم ترین دلیل منتشر شدن الحاد به این بازمی گردد که طبیعت انسان به گونه ای است که موجود کنجکاوی است و می خواهد هر چیزی را بشناسد و دنبال پاسخ است. و اگر پاسخ، او را قانع نکرد، مستمر جست جوی می کند. دین یا مردان دینی اگر پاسخ های قانع کننده و صحیح و دقیقی به مردم ندهند، بیشتر آنان دنبال پاسخ های صحیح و دقیق و قانع کننده ای از سوی افراد دیگری می روند .

یعنی خلاصه می توانیم بگوییم که علت اصلی الحاد، وجود نداشتن پاسخ های صحیح و قانع کننده نزد رجال دین در مورد مسائل علمی معاصر است که در مورد پیدایش هستی یا ظهور زندگی و تکامل آن باشد، تا اینکه به ظهور انسان روی سیاره زمین منجر شد. همچنین این اعتقاد آنان که دین با برخی از مسائلی که علمی شده است و از مبادی اساسی شمره می شود، در تعارض است. ای کاش، رجال دین در مورد برخی از مسائل به نبودن پاسخ هایی بسنده می کردند؛ بلکه برخورد برخی از آنان نسبت به الحاد علمی،

برخوردی شکست خورده و خوارکننده و درحقیقت خجالت آوری است. همچنین این مسئله علت الحاد تعداد بسیاری از افراد شده است.

و آیا برخورد ادوین صالح، برخوردی منطقی و علمی است؟! آیا ادوین صالح نظریه تکامل را صحیح فهمیده است که اقدام به رد آن می کند؟! آیا مطالبی که ادوین صالح در مورد متد علمی و شباهت های ژنتیکی انسان و شامپانزه و موش و خوک و نئاندرتال ها گفته است صحیح است؟! و سوالات دیگر...

بهتر است در ابتدا ادوین صالح مسیحی با دقت جزوه پیش رو را مطالعه کند و نیز با دقت بیشتری همان کتاب های انگلیسی که در خانه اش دارد (و ترجمه فارسی نشدند) را مجددا مطالعه کند و اگر هم وقت داشت به جای رجوع به یوتیوب به ژورنال های علمی نیز سری بزند و مقالات آنها را مطالعه کند مخصوصا مسائل مربوط به ژنتیک (زیرا او گفته است تخصصش زیست شناسی و ژنتیک انسانی است). و ببیند آیا مطالبی که می گوید صحیح است یا نه.

«راه احمق در نظر خودش راست است، اما هر که نصیحت را بشنود حکیم است.»^۱

و همچنین افرادی که آخرت خود را به دست این معلم مسیحی داده اند کافی است کمی تأمل کنند، همانطور که او اینچنین محکم و با قطعیت مطالب کاملا اشتباه و غیرعلمی را ترویج می دهد، آیا در مسائل دینی نیز اینگونه نیست؟ آیا عاقلانه نیست در مورد آنچه او در مورد تثلیث و ... می گوید نیز شک کنیم و به بررسی بیشتر نظراتش پردازیم؟!

مرد جاهل هر سخن را باور می کند، اما مرد زیرک در رفتار خود تأمل می نماید.^۲

آری تقلید کورکورانه از علمای ادیان، زمینه به صلیب کشیدن انبیای الهی را فراهم می کند، آیا اندیشیده اید چه کسانی در صف دشمنان انبیای الهی بودند؟؟ آیا جز طواغیت زمان (و سپاهیانسان) و علمای بی عمل (و اتباع راضی به جهل آنها) بودند؟؟

فریسیان علمای زمانشان بودند یا اوباش آن زمان؟؟ بترسید از علمای بی عمل و از تقلید کورکورانه!!

^۱ امثال ۱۲: ۱۵

^۲ امثال ۱۴: ۱۵

در آخر کلامی از سید احمدالحسن را به خوانندگان گرامی هدیه می کنیم:

خداوند مردم را آزاد آفریده است و آنها حق انتخاب و اختیار دارند و انسان عاقل و آزاده نمی گوید که من پدرانم را بر دین یا مذهبی یافتم و بر آن باقی می مانم، بلکه تحقیق می کند و به حق می رسد، اگر حق در آنچه پدرانش به او آموخته بودند بود، بر آن باقی می ماند و اگر اینگونه نبود، بر اوست که از حق پیروی کند، پس اوست که فردا در قبرش می خوابد و به تنهایی مورد حساب قرار می گیرد.

سید احمدالحسن، گفتگو با شبکه المنقذ العالمی، دی ۱۳۹۴

لینک مطالعه آنلاین کتاب توهّم بی خدایی: <https://www.almahdyoon.co/doa.html>

آدرس گروه تلگرامی: https://t.me/joinchat/AAAAAEDNaXRksQrMvWv_tg

آدرس کانال تلگرامی: <https://telegram.me/tavahomelhad>

آنچه که یک مسیحی باید بداند:

<https://www.almahdyoon.co/index.php/2017-04-30-07-04-51/2017-04-30-07-36-22>

آدرس وبسایت های ما: <http://varesin.org> / <https://www.almahdyoon.co>

موسسه علمی فرهنگی وارثین ملکوت

۱۳۹۷/۰۱/۲۹

